

۲) - طبقه مملکت سوئیس که قوه مقننه بر قوه مجریه مزیت دارد و مجلسین با هم هفت فرمدیر برای مدت سه سال انتخاب میکنند که مملکت را اداره کنند و آنها هر سال یکمرتبه رئیس دولت را ازین خود انتخاب مینمایند.

۳) - توازن قوه مقننه و مجریه که این طبقه را اصطلاحاً حکومت پارلمانی میگویند که انگلیس مبتکر آن بوده و اکثر ممالک آنرا با تغییراتی که متناسب با وضعیت خودشان بوده است قبول کرده اند و مراد این است که بین قوه مجریه و مقننه همیشه تعادل باشد و هیچیک از آنها بر دیگری مزیت پیدا نکنند و عامل موثر این موازنه مسئولیت وزراء در مجلس و حق انحلال مجلس برای دولت است.

هروقت دولت از حدود خود تجاوز نمود مجلس دولت را استیضاح میکند و یا به لوائح آن رأی نمیدهد تا از مجلس رأی اعتماد بخواهد و در نتیجه عدم رأی اعتماد ساقط شود و اگر مجلس از مقام خود سوء استفاده کند و یا اینکه مجلس طوری متشنش باشد که اتخاذ هر گونه تصمیم دچار مشکلات و چرخهای قانون گذاری فلج شود در اینصورت مجلس را منحل میکنند و ملت را بقضاوت و حکمیت دعوت مینمایند.

اگر ملت رویه نمایندگان را با اصلاح جامعه توأم دید مجدداً همانها را انتخاب می کند در اینصورت دولت دیگری روی کار میآید که با مجلس بتواند کار کند و الا اشخاص دیگری را انتخاب می کند که رویه مجلس را تغییر دهند تا بتوانند با دولت کار کنند و مملکت را اداره نمایند.

در انگلیس اگر دولت پیشنهاد نمود و پادشاه موافقت کرد مجلس منحل میشود و در فرانسه اگر مجلس سنا موافقت نمود رئیس جمهوری فرمان انحلال مجلس را امضاء مینماید ولی در ایران اصل ۴۸ قانون اساسی از این نظر که معصوم علی شاه مجلس شورایی را که نماینده حقیقی ملت بود منحل نکند انحلال را بشرایطی موکول نمود که هیچوقت عملی نمی شود و واضعین قانون تصور نمی کردند روزی پیش آید که اعضای مجلس را مردم انتخاب نکنند و انحلال لزوم پیدا کند.

پس وقتی که انحلال مقدور نیست و مجلس هم بمصالح عمومی توجه نمیکند یا باید مملکت از مجلس استفاده نکند و ضرر آن را تحمل کند کما اینکه

تشکیل اقلیت ثابت و پایمان

قریب ۱۴ ماه از این دوره بدینستوال میگردد و یا اشخاص بی نظری تشکیل اقلیت دهند و در کار دولت دخالت نکنند و منتظر شوند که اکثریت دولت صالحی روی کار بیآورد و اگر بوظیفه خود عمل ننمود مجلس را تهدید بتعطیل کند.

با اینکه اینجانب میخواستیم تا آخر دوره منفرد بمانم و یقین داشتم که هیچوقت در این مجلس اکثریتی تشکیل نمیشود که با آن بتوانم تشریک مساعی نمایم مصالح مملکت ایجاب نمود که برای تشکیل چنین اقلیتی مقدم شوم زیرا در این موقع که چند ماهی به تهیه مقدمات انتخابات بیشتر نمانده است باید دولت خوب و مخصوصاً وزیر کشوری که مطلقاً بیطرف باشد و انجام وظیفه را فریضه خود بدانند روی کار بیاید تا اینکه وضعیت دوره ۶۵ مثل این دوره نشود و برای تشکیل این اقلیت باید در حدود ۳۰ نفر متفق شوند زیرا مطابق اصل هفتم قانون اساسی :

« در موقع شروع مذاکرات باید دو نلک از اعضای مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع اعضا « و چون نمایندگان مجلس قریب ۱۲۵ نفرند چنانچه همه اقلیت

از ۳۰ نفر کمتر باشد بلا اثر است و مجلس را نمیتوان از رسمیت انداخت و مراد از اقلیت ثابت این نیست که مجلس را تعطیل کند بلکه حربه ایست در مقابل اکثریت برای اینکه رویه خود را تغییر دهد و مصالح عمومی را از نظر دور نگذارد.

یکی از روزنامه های مرکزچین افلیشی را اقلیت دیگکتاتور نامیده است در صورتیکه فرق بین دیگکتاتور و این اقلیت از زمین تا آسمان است زیرا دیگکتاتور هیچوقت عمل منفی نمی کند و هر چه میکند مثبت است در صورتی که اقلیت غیر از نفی و انتقاد نظری ندارد.

من بیاز مناسبم که در مجلس ۳۰ نفر خواست تا آخر دوره یا لا اقل تا یک مدتی از نظریات خصوصی صرف نظر کند زیرا بعد از سقوط کابینه

موانع تشکیل اقلیت

یات قطنامه ای تنظیم نمودم و با مضای چند نفر رساندم ولی فراکسیون آزادی (البته بعضی از اعضای آن) موافقت ننمودند. از جناب آقای طباطبائی رئیس مجلس هم که تقاضا نمودم موافقت آنده از اعضای فراکسیون اتحاد ملی را که اکنون فراکسیون ملی تشکیل داده اند بتشکیل اقلیت جلب کنند اظهار نمودند که اعضای این فراکسیون برای این ساخته شده اند که رول اقلیت بازی کنند و من یقین دارم که با این قطنامه موافقت نمی کنند !!

تشکیل اقلیت ثابت

پس از نطق مذکور در فوق چون زمینه برای مبارزه حاضر و مهیا شده بود و در کور صدق هم همیشه از جربان روزبفتح مملکت استفاده میکرد و وظیفه خود دانست از آن عده نمایندگانی که در جلسه رأی تمایل حاصر نبودند در منزل خود دعوت کند و آقایان مفصله الاسامی ذیل:

آشتیانی (ابراهیم) - اسکندری (امیر نصرت) - افشار صادقی - افخمی - اکبر (حسن) - ایکچیان - بهادری - عزت الله یات - مهندس پناهی - تیمورتاش - تیموری - حکمت (رضا) - دری (حبیب الله) - ذکاتی - رحیمیان - رفیع (قالم مقام) - دکتر زنگنه - سرلیپ زاده (که فقط چند روز بیشتر در اقلیت نبود) - صادقی - طوسی - تهرانچی - عامری - عدل (مهدی) - فتوحی - فرماقرمائی (محمد ولی) - مهندس فریور - دکتر فلسفی - صدر قاضی - محمد آخوندگر گمانی - مظفرزاده - دکتر معظمی

پس از یک سلسله مذاکرات برای همکاری حاضر شدند و چون نمیخواستند که با نمایندگان اکثریت علناً مخالفت کنند آنها را باصل هضم قانون اساسی متوجه و تقاضا نمودند که جلسه دیگری مرکب از تمام نمایندگان اکثریت و اقلیت باهم

تشکیل و تجدید رأی بعمل آید و چون نمایندگان اکثریت موافقت نمودند^(۱) و آقای صدر بهشتیانی آنها دولت خود را در ۲۲ خرداد به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معرفی و از همان روز شروع بکار کرد. این عدم توجه سبب شد که نمایندگان اقلیت در مجلس شورای ملی جلسه تشکیل دهند و در طی این جلسه راجع به روش خود در قبال اکثریت و وضع دولت بیانیه‌ای منتشر نمایند که آنرا از روزنامه «اطلاعات» شماره ۵۷۸۵ بیست و سوم خرداد نقل مینمائیم:

من پایه اقلیت نمایندگان مجلس شورای ملی

هموطنان: در این موقع که جنگ اروپا پایان یافته و کنفرانسهای صلح برای تهیه شالوده اساس زندگی و امنیت ملل منقاد است و با شکست قطعی آلمان و پیروزی کامل متفقین ما دیگر موجبی برای ادامه و بقاء توقف قوای آنها در کشور باقی نیست و باید آن را ترك و تخلیه نمایند و وطن ما که حسب آن جزء ایمن ما است چه از لحاظ سیاست خارجی و چه از جهت سیاسی و اقتصادی و امنیت داخلی مواجه باد شواریهائی است که توجه بسآن از اعم فرائض هر فردی بشمار می آید، نمایندگان نیز مکلفند در انتخاب رئیس دولت و وزراء رعایت نهایت دقت و احتیاط را بنمایند تا زمام امور بدست اشخاصی قرار گیرد که مورد اعتماد و احترام جامعه بوده و در حل و عقد مسائل بین المللی و داخلی بصیر و توانا باشند.

متأسفانه مجلس شورای ملی تا کنون توجه کاملی بسؤلیت سنگین خود نداشته و بعضی از نمایندگان تصور کرده اند همین که عده‌ئی باهم توافق نموده و بسا استفاده از حسن نیت جمعی اکثریت موقتی ایجاد کنند میتوانند بشایل شخصی خود کسانی را که بارها امتناع عدم لیاقت در اداره امور عادی کشور داده اند روی کار آورده و حل مسائل خطیر قطعی مسلکت را از آنان بخواهند و هر موقع هم که نظریات آنها ایجاب نمود بدون افامه هیچگونه دلیل و برهانی دولت را ساقط نمایند. انتخاب و اسقاط دولت بیات بدون تعین علت انتخاب و مجال بحث در برنامه آقای حکیمی در ظرف بیست روز و ائتلاف وقت گران بهای کشور در این مدت و بالاخره واژگون کردن دولت او، بیانی و سازش شبانه در منازل برای انتخاب رئیس دولت قلمی بدون توجه بمقتضیات و مصالح اساسی کشور نمونه بارزی از این طرز فکر است!!

توجه بمصالح و مقتضیات فوق، ما را بر آن داشت که نمایندگان اکثریت را بسنگینی بار این مسؤلیت متذکر ساخته تقاضا کنیم در تصمیم خود تجدید نظر نمایند و برای اداره امور کشور در چنین موقع خطیری شخصی را در نظر گیرند که قادر بعمل مسائل سیاسی خارجی و مضلات داخلی بوده و مخصوصاً مورد احترام قاطبه ملت باشند حتی حاضر شدیم برای رعایت صلاح کشور و رفاه و آسایش عموم و جلوگیری از هرگونه نشنت و اختلافی با

(۱) - مطابق اصل هفتم قانون اساسی: «در موقع شروع مذاکرات باید اقلاد دولت از اعضای مجلس حاضر باشند و هنگام تکمیل رأی سه ربع از اعضاء و چون در موقع رأی تسایل عده و کلای حاضر در مرکز ۱۱۵ نفر بوده، سه ربع آن لا اقل ۸۵ نفر استولی در جلسه اخذ رأی تسایل قط ۶۸ نفر حاضر بودند».

نهایت صمیمیت با آنان توجید معافی نموده اکثریت تام و تمامی بوجود آوریم تا چنین دولتی بپشتیبانی کامل صوم نمایندگان با فراغت بال و آسایش خیال بر مشکلات موجوده غایب آید -

اکثریت فعلی که مست غرور موقیبت خود در انتخاب رئیس دولت گشته و بزعم خویش آن چه را که خواسته است بدست آورده انگفانی باهویت قضیه نموده و دست دوستی و اتحاد ما را رد کردند!!

چون ادامه این روبه که برخلاف مصلحت و مقتضای وقت است تابع نا مطلوبی را دربر خواهد داشت و ممکن نبود بیش از پانزده ماه شاهد و ناظر این قبیل افکار و اعمال باشیم تاگزیر تصمیم گرفتیم افکار عامه را از جریان امر مستحضر داشته و در برابر اکثریت بمقاومت پردازیم در این مبارزه که جز خیر و صلاح کشور و رفاه و آسایش ملت منظوری نیست توکل ما بخدا و اطمینان ما پشتیبانی ملت ایران است اینک ما و قضاوت ملت ایران -

دکتر مصدق . افغمی . جواد عامری . آشتیانی . عزت الله بیات . اسکندری -
صدر قاضی . مهدی عدل . دکتر معظمی . تهرانچی . رفیع . ایکچیان . منوچهر نیورتاش
طوسی . حکمت . بهادری . اصغر پناهی . حسن اکبر . صادقی . دری . دکتر زنگنه .
فرمانفرمایان . گرگانی . مظفرزاده . سرتیپ زاده . رحیمیان . دکتر فلسفی . فریور .
ذکسانی -

نامه آقای صدر ریاست مجلس شورای ملی

پس از صدور بیانیه اقلیت ، در ۲۷ خرداد آقای صدر نامه ای بریاست مجلس نوشت و آماد بودن دولت را برای معرفی تذکره داد نمایندگان اقلیت نیز نامه در جواب نوشتند و توسیاست مجلس بدولت ابلاغ نمودند - اینک متن دو نامه مزبور از مذاکرات مجلس شماره ۱۰۶ نقل میشود:

جناب آقای طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی

این جانب بر حسب تمایل مجلس شورای ملی و فرمان اعلیحضرت هایون شاهنشاهی روز سه شنبه ۲۲ خرداد هیئت دولت را تشکیل و حضور ملوکانه معرفی نمودم - دولت از آن تاریخ طبق معمول شروع بکار نموده ضمناً آماده برای حضور در مجلس و معرفی و تقدیم لوایح فوری ضروری ، مالی و غیره میباشد و چون تاخیر در تصویب پاره ای از لوایح ممکن است موجب اختلال در امور جاری کشور و قوت منافع دولت گردد خواهشمند است توجه لازم مبذول فرمائید که هر چه زودتر مجلس شورای ملی تشکیل و نسبت به تصویب لوایح ضروری و فوری مخصوصاً لوایحی که جنبه مالی دارند بذلل توجه مخصوص بعمل آید .

فخست وزیر - سید محسن صدر

پاسخ نمایندگان اقلیت ریاست مجلس شورای ملی

بمحض ابلاغ نامه آقای صدر ، اقلیت لازم دید بوسیله ریاست مجلس شورای ملی

نظریه خود را اعلام و آقای صدر را بستن و قواعد حکومت پارلمانی آشنا سازد
اینک متن نامه مزبور در ذیل نقل میشود:

ریاست مجلس شورای ملی!

نامه شماره ۶۱۱۰ مورخ ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ جناب آقای صدر توسط آقای طوسی به -
نمایندگان اقلیت ابلاغ شده، لزوماً یا استحضار عالی میرسانیم؛ وظیفه حتی هر نخست وزیر
این است که پس از معرفی وزراء به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بلافاصله و قبل از
شروع بکار در مجلس شورای ملی حاضر شده کابینه را معرفی و نظریات مجلس را نسبت به دولت
خود استنباط نماید.

معلوم نیست تاکنون از چه نظر جناب ایشان در انجام این وظیفه مهم خودداری نموده اند!!
نمایندگان اقلیت از مقام ریاست مجلس درخواست میکنند که جناب آقای صدر اعلام
فرمایند دولت خود را هر چه زودتر بیاورند. بدیهی است که اگر مشاهده فرمودند وضع
مجلس با دولت ایشان مساعد است و اکثریت قابل توجهی هست که بتواند پشتیبان دولت
و گنراندن لواجح ایشان باشد میاتند و الا وظیفه هر شخص وطن پرست این است که در این
قیل موارد بضرر کشور راضی نشود و برای جلوگیری از اتلاف وقت و بخران از کار کنار -
نماید و نیز جناب ایشان ابلاغ فرمایند که از اتخاذ تصمیماتی که شایسته دولت معرفی
نشده میباشد خودداری فرمایند.

از طرف نمایندگان اقلیت: دکتر محمد مصدق - رضا حکمت

بعد از این مکاتبات اقلیت تصمیم گرفت که دولت
را در مجلس نپذیرد و در جلسه ۲۹ خرداد که
لابعد بود چه مجلس مطرح بود همینکه آقای صدر با

اقلیت دولت صدر را
در مجلس نپذیرد

هیئت دولت خود حضور یافت عددی از نمایندگان از جلسه خارج شدند و چون مجلس
از اکثریت افتاد رئیس جلسه را ختم نمود و آقای سید ضیاء الدین طباطبائی که از
طرفداران دولت بود چنین اظهار کرد: «وقتی که لیاخوف روسی این مجلس را بمبارده
کرده و بتوپ بست من و این امیر جنگ^(۱) اینجا ماندیم و دفاع کردیم و بیابرداری

(۱) با اینکه مرحوم نجف قلی خان سعاص السلطنه و حاج علی قلیخان سردار اسعد از
رجال آزادیخواه بودند ولی در موقع بیارای مجلس هنوز در جرگه آزادیخواهان و مشروطه
طلبان وارد نشده بودند و مشروطه خواهی آنها وقتی شروع شد که همسایگان شان و جنوب
بواسطه عدم موافقت محمد علیشاه با قرارداد ۱۹۰۷ و مطالب دیگر تقواستند یا او موافقت
کنند این بود که در او خرد دوره استبداد صغیر مرحوم سردار اسعد از جنوب و محمد ولی خان
خلعت بری (سپهسالار) که تا آن زمان با آزادیخواهان تیریز می جنگید از شمال بست مرکز
حرکت نموده و فواید مشروطیت دوم شده و اینکار طلیعه اجرای قرارداد ۱۹۰۷ واقع شد
بقیه پاروقی در صله بعد

نمودیم و مجلس را تکه داشتیم لیاخوف روس رفت و مرد ولی مشروطیت ایران زنده و پایدار ماند الان ۶۸ نفر از این دولت یشتیبانی میکنند ما از اقلیت امتنان داریم زیرا اکثریت را بوظیفه ای که در حکومت بکشور دارد آگاه کرد و ما مطابق حق پارلمانی خود حکومت میکنیم^(۱) (قل از روزنامه اطلاعات شماره ۵۷۹۰ - یست و نهم خرداد ۱۳۲۴)

در جلسه پنجم تیرماه

بعد از چند روز تعطیل مجدداً در تاریخ پنجم تیرماه جلسه علنی تشکیل و بودجه سال ۳۲۴ مجلس شورای ملی مطرح گردید - رهبر اقلیت در این جلسه برای اینکه نظریات و علل مخالفت اقلیت را درباره زمامداری صدر بسمع عامه رسانیده و کشور را از يك بلا تکلیفی طولانی خارج نماید ضمن پیشنهاد خروج بودجه از دستور نطق تاریخی خود را بشرح ذیل ایراد نمود (قل از مذاکرات مجلس شماره ۱۰۹ صفحه ۴۴۹ و ۴۵۳ و ۴۵۴)

دکتر مصدق - بنده خیلی متأسفم که در این موقع بودجه مجلس از دستور خارج شود در صورتیکه میل بنده این است که اعضاء و اجزای مجلس بودجه شان تصویب شود و حقوقشان را بگیرند و حقیقتاً هم انتظار دارند که بودجه شان تصویب شود بنده هم موافقم که بگذرد... (جعی از نمایندگان - آقا بنده تر نیستیم) چشم ولی اینرا هم باید عرض کنم که وضعیت ملکیت يك صورتی درآمده است که اجازه بدهند اقلیت نظریات خودش را در مجلس عرض کند و بنده هم نظریات شخصی خودم را عرض بکنم که هرچه زودتر باینوضع کنونی خانمه داده شود عرض کنم که بودجه مجلس يك چیزی نیست که جزو کارهای اساسی باشد و ممکن است

بقیه باورنی از صفحه قبل

و اما راجع با آقای سید ضیاء الدین طباطبائی مولف رساله : « اسرار سیاسی کودتا و زندگانی آقای سید ضیاء الدین طباطبائی » درصاحه ۲۷ آن رساله اینطور مینویسد : « محمد علیشاه پیر با کمال قدرت و نفوذ امر برگرفتن سید و با آوردن سرا و درازای پنج هزار تومان میدهد... سید میترسید که وسیله رفتن خود کشته شود و سرش را برای گرفتن پنج هزار تومان تقدیم محمد علیشاه نماید تا اگر بر با تهاذ تصمیم قطعی میزد و پس از فکر بسیار و عدم یافتن راه حل تا اگر بر سفارت اسپانی متوسل... و قتل سید منجر بدو سال تبعید پاریس میشود... و باز گشت او در سال ۱۹۰۹ میلادی زمان مشروطه دوم بوده و در آن او آن است که روزنامه «شرق» به مدیریت ایشان منتشر شده است - بنابراین در موقع بیاران مجلس به خوانین بختیاری داخل در سیاست بودند و نه آقای سید ضیاء الدین طباطبائی در تهران و ما نمیدانیم این اظهارات را از چه نظر در مجلس نموده اند»

(۱) بدیهی است که یکی از جهات مخالفت اقلیت این بود که در آن موقع حساس دولت از اشخاصی تشکیل شود که متکی بنام نمایندگان مجلس باشد نه اینکه طغیانداران او پیروی از یک سیاست بکنند و سیاست دیگر را تصبانی نمایند.

یکی دو ساعت هم دیرتر تصویب شود و بنده نظرم این بود که بودجه مجلس فعلا از دستور خارج شود و آقایان اجازه فرمایند که یک قدری در مسائل اساسی صحبت بشود وضعیت ملکیت واقعا خوب نیست و این دولتی هم که آمده رسمیت ندارد و نمیتواند کار بکند (عده ای از آقایان نمایندگان - چرا آقا رسمیت دارد) و بعضی از وزراء هم استحقاق ندارند و در بعضی از وزارتخانهها و ادارات دولتی کارهایی را که استحقاق ندارند میکنند و یک اشخاصی را بدون جهت از کار برکنار میکنند روزنامه هائی را بعنوان طرفدار اقلیت توقیف میکنند و این جریان هیچ مطلوب نیست البته آقایان محترم میدانند که اخیراً در کمیسیون بودجه قضایائی کشف شده است و در وزارت جنگ یک عملیاتی شده که هیچ شایسته نبوده اینها هم یک چیزهایی است که از عمل مجلس حاصل میشود امید وارم که ما بتوانیم یک موافقتی با هم بکنیم و هر چه زودتر این وضعیاتی که هیچ رضایت بخش نیست خانم بدهیم (صحیح است انشاء الله) حالا اگر آقایان اجازه فرمایند بنده نظر خودم را عرض کنم اگر هم که نمیدهند هیچ (جمعی از نمایندگان فرمایند بفرمائید) (یک نفر از نمایندگان - روی پیشنهاد صحبت فرمائید) بنده پیشنهاد کردم که بودجه از دستور خارج شود حالا هم میگویم اجازه میدهید عرض می کنم . اجازه نمیدهم عرض نمیکنم (عده ای از نمایندگان فرمایند) :

انتظارات مردم از مجلس ۱۴

از شهریور ۱۳۲۰ که در مشروطیت سوم وارد شدیم عنقریب چهار سال میگذرد و خوبست نمایندگان که تا این وقت مجلس را اداره کرده اند فرمایند در این مدت برای ملکیت چه کرده اند و کدام خدمتی را انجام داده اند؟
 هموطنان ما از دوره چهاردهم انتظاراتی داشتند که حد اقل آنرا میتوانم بشرح ذیل عرض کنم :

- ۱ - روی کار آمدن دولتی که اعضای آن مستقل و مورد توجه عامه باشد.
 - ۲ - رعایت اصل مکافات و مجازات .
 - ۳ - اصلاح قانون انتخابات .
 - ۴ - پایین آوردن سطح زندگی و مبارزه با فقر و بیگاری .
 - ۵ - لغو اختیارات دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی .
- که غیر از قمره آخر هیچیک از انتظارات مردم برآورده نشد و علت آن است که عده ای از نمایندگان مؤثر این دوره همان نمایندگان دوره سیزدهم یعنی وکلای دوره بیست ساله دیکتاتوری میباشند .

خیط و اشتباه سیاسی مرحوم فروغی^۱

یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی مرحوم محمد علی فروغی این است که بعد از تغییر اوضاع انتخابات دوره سیزدهم را تجدید نکرد و انتخابات حسب الامر را تأیید نمود (۱).

چون در دوره ۱۳ اشخاصی نبودند که با نمایندگان تحلیلی مبارزه کنند آنها از نفوذ خود استفاده نموده بدست دولت وسایل انتخاب خود را برای دوره ۱۴ فراهم نمودند.

۱ - در این موقع عده ای از نمایندگان اکثریت اظهار داشتند که در باره پیشنهاد صحبت شود ویس از توضیحات دشتی بودجه مجلس مطرح و در آخر جلسه مجدداً مقام ریاست مجلس اجازه داد که نماینده اول طهران بقیه نطق خود را ابراز نماید که مسا از نظر سهولت خواستگاری مطالب اضافی را حذف کردیم .

نتیجه بعضی از عملیات دوره ۱۴

تصویب قرارداد مالی و قانون جدید مالیات بردرآمد. و استخدام دکترا میلیسپو و تفویض حق قانون گذاری که از خصایص مجلس شورای ملی است بساو و ۴۵۰ میلیون تومان قرض دارائی بیاتکملی بنظر من از افعال مشتم نمایندگان مؤثر مجلس و رفقای آنهاست که هر یک بنوبه خود عضو دولت بوده اند و باز هم میخواهند بشوند.

عده ای از نمایندگان که از اختیارات نامحدود دکتر استفاده مینمودند بنام مصالح کشور راضی نمیشدند که اختیارات او اثناء شود و هر وقت از طرف دولت و با نمایندگان در این باب اقدام میشد از جلسه خارج میشدند و بعنوان اینکه روابط ایران و امریکاتیره میشود مانع بودند که انتظار مردم انجام شود و حمایت نامحدود بعضی از نمایندگان از مستشار کل دارائی و مدت ده ماه تضييع وقت مجلس ثابت نمود آنچه زیاده مورد توجه بعضی از نمایندگان نیست همان مملکت است!!

عدم رعایت اصل مجازات

کار فساد اخلاق و رشوه بجائی رسیده است که نمایندگان مؤثر در اوضاع بگزارش ۳۰ اردی بهشت راجع باختلاس ۱۰۹ میلیون تومان و سرقت هزار عدل قماش اهمیت ندهند.

و آن را با کمال خونسردی تلقی نمایند و توقیف چندین اعلام جرم در کمیسیون دادگستری مجلس میسراند که کمیسیون مزبور بجتهائی انجام وظیفه نمی نماید پس نتیجه این است که عدم رعایت اصل مجازات در مجلس و در دادسراها و محاکم دادگستری نظامات اجتماعی ما را مختل کرده است و علت آن است که هنوز حکومت دست همان اشخاصی است که مردم از آنها شکایت می نمایند و از ملاحظه صورت اسامی و ذرائعی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ روی کار آمده اند معلوم میشود که اغلب همانهایی هستند که در دوره دیکتاتوری جزء هیئت حاکمه بوده اند و از مشاهده تشکیلات مجلس هر کسی درک میکند که محرک این تشکیلات منافع صومی نبوده و هر هیتی که تشکیل شده روی دست بند و بطور مخفیانه و در نتیجه نیانی های قبلی در منافع خصوصی صورت گرفته است.

حفظ حیثیات مجلس

آنهايي که مرا ملامت میکنند که این قبیل اظهارات در مجلس بر ضرر مملکت تمام میشود در اشتباهند زیرا همه می دانند که وضعیت ما چیست و مملکت علی الاصول بدست چه اشخاص اداره میشود و روزی نیست که روزنامهها سیات اعمال آنها و ادارات دولتی را منتشر نکنند.

حیثیات مجلس وقتی محفوظ است که تمام اعضای آن انجام وظیفه کنند و برای خود در مقابل خدا و خلق مسئولیتی قائل شوند و قتیکه بعضی از آنها بامور جامعه توجه نکنند و بهرچه اظهار میشود به نظر لاقیدی بنگرند چطور ممکن است که در انظار داخلی و خارجی حیثیات مجلس حفظ شود.

این مجلس مسئول مقدرات مملکت است

مجلس شورای ملی مرکز ثقل مملکت و مسئول کارهایی است که در مملکت میشود زیرا مجلس است که میتواند دولت خوب بیاورد و دولت بد را ساقط کند اسقاط بسون ذکر دلیل دولتهای قبل حاکی از اینست که بعضی از نمایندگان میخواهند دولتی روی کار آید که تحت نفوذ واقع شود و آنها را در دوره ۱۵ وارد مجلس نماید، در صورتیکه امروز دولتی

لازم است که مورد احترام جامعه باشد و انتخابات دوره ۱۵ را بنفع مملکت اداره کند آن دولتی که برای ورود بعضی اشخاص در مجلس تشکیل شود اگر در يك قسمت از مملکت با انجام مأموریت خود موفق شود در قسمت دیگر تمیث شود و مجلس ۱۵ از حضور نمایندگان ملت محروم خواهد بود.

ما حاضر نشویم که بهیچ قیمت از نظریه خود عدول کنیم و از این قضیه حیاتی صرف نظر نائیم و با دولتی موافقت کنیم که بخواهد مجری نظریات خصوصی بعضی از نمایندگان بشود.

این ها جهاتی است که عده ای از نمایندگان را بتشکیل يك اقلیت ثابت و ادار- کرد و این عده تصمیم دارند تا آخرین مرحله امکان مبارزه کنند و اکثریت را از رویه ایکه اتخاذ نموده است منحرف نمایند.

تحریرات بر ضد اقلیت

آنهایی که از اوضاع آشفته استفاده میکنند؛ باز میخواهند بر سرمایه زیاد خود بیفزایند حاضر میشوند که از رویه ایران خراب کن خود صرف نظر نمایند و از هر گونه عمل و اقدامی برای اینکه اقلیت را مغلوب کنند خودداری ندارند ولی غافل از اینکه امروز دیگر آن زمان نیست که مردم از خواندن بعضی مقالات اشخاص مغرض گمراه شوند، و یا اینکه بنا بر سابقه همانطور که یکمده ای در ۲ سال قبل بمدرسه نظام رفتند و مردم را برای قبول دولت دیکتاتوری اغفال نمودند، باز عده ای را بر ضد اقلیت تحریک نمایند !!

امروز در جامعه اشخاصی هستند که معایب و محاسن کار را تشخیص میدهند و آنچه در صلاح و ثواب مملکت است قضاوت مینمایند انتظارات ما از علما و قضات و استادان و مهندسين و دبیران و بازرگانان و اصناف و کارگر و سایر طبقات این است که در این مبارزه حیاتی ما را پشتیبانی نمایند.

اظهار تمایل با اکثریت

چون وضعیت کنونی اصلاح نمیشود مگر اینکه یک دولت قوی زمامدار شود و تشکیل چنین دولتی مقدور نیست مگر اینکه اکثریت قریب باتفاق مجلس با آن موافقت کنند برای این منظور مادست دوستی بطرف اکثریت دراز کردیم و بتقاضای اکثریت حاضر شدیم که نام چند نفری را برای نخست وزیری بیرییم و با هر دولتی که اکثریت از اشخاص صالح و مورد اعتماد جامعه تشکیل دهد موافقت کنیم ولی اکثریت نتخواست با ما همکاری نماید و چون یکی از نامزد ها آقای حکیمی است بعضی از جرائد برای مشوب کردن اذهان مردم ایراد میکنند که اگر ایشان صلاحیت دارند چرا بیرنامه دولت ایشان رای ندادیم و اگر ندادند چطور باز آقای حکیمی را برای زمامداری پیشنهاد می نمایم؛ این است که لازم میداتم نظریات اقلیت سابق را عرض کنم تا اینکه مستدرجات بعضی از جرائد موجب سوء تفاهم نشود.

علت امتناع دره و وقع رأی بر نامه دولت حکیمی

باینکه در موقع اظهار تمایل من و چند نفر دیگر یعنی اقلیت سابق آقای صادق (مستشار الدوله) رأی داده بودیم چون اکثریت مجلس با آقای حکیمی اظهار تمایل نمود و ایشان هم دارای سوابق روشنی هستند ما با ایشان موافقت شدیم و میخواستیم که آقای مستشار الدوله هم در دولت ایشان شرکت کنند ولی چون آقای حکیمی در تشکیل دولت نظریات ما را قبول نمود نسبت بدولت ایشان مردم شدم و چند روز قبل از گرفتن رأی

تقاضا نمودیم که ایشان برای بست حساس وزارت کشور کسی را که مورد اعتماد جامعه باشد تعیین کنند و در موقع مذاکرات در برنامه هم آنچه عرض نموده ام این است که نقل می‌کنم:

«منتظر میشویم که انتخابات آقای نخست وزیر را در خصوص بست های پلامتصدی مشاهده کنیم و یقین داریم که با حسن انتخاب می‌توانند ما را که هیچ نظری غیر از خیرمسلکت نداریم بغود جلب نمایند.»

و نظر باینکه ایشان توجهی ننمودند ما هم ازدادن رأی امتنان ننودیم زیرا حسن ظن با آقای حکیمی دلیل نبود که نسبت بدولت ناقص ایشان اعتماد کنیم ما چه می‌دانستیم که بعد ازدادن رأی برنامه چه اشخاصی منصوبی بستهای پلامتصدی میشوند که قبلا اعتماد خود را نسبت بهیئت دولت ایشان ابراز ننائیم!:

ظرفیات من نسبت با آقای صدر و همکاران ایشان

آقای صدر از حیث سن و سابقه برای کاری که در نظر گرفته شده اند صلاحیت ندارند

۱- راجع بسن: در سال ۱۳۰۹ هجری قمری که من باسالار السلطنه پرنامبر-

الدین شاه همبازی بودم ایشان معلم شاهزاده بودند و اکنون ۵۶ سال می‌گذرد و در آن زمان معمول نبود که جوان ۲۰ ساله را باین سمت انتخاب کنند اگر ماقبول کنیم که در ۱۳۰۹ ایشان مرد ۴۰ ساله ای بوده اند اکنون ۹۶ سال دارند و حضور ایشان در مجلس شورای ملی و قبول و کالت دیکتاتوروی تا اول این دوره دلیل نیست که ایشان فقط در ابتدای دوره چهاردهم بسن هفتاد سالگی رسیده و در چند دوره ای که در مجلس شوراییلی بوده اند سن ایشان از ۷۰ سال متجاوز نبوده است.

۲- از حیث سابقه: سوابق آقای صدر دراستیاد صغیر و اطاعت کور کوران

ایشان از احکام دیکتاتوروی سبب شده که افکار عمومی با زمامداری ایشان مسواقت نکند و معلوم نیست از روی چه نظر آقایان نمایندگان اکثریت از کسانی که مورد توجه جامعه هستند صرف نظر میکنند و دنبال کسانی میروند که دخالت آنها در کار، وضعیت داخلی و بین المللی ما را ونخیم ترکند!:

روزی که اکثریت تمایل خود را با آقای صدر اظهار نمود من از شهر غایب بودم

مراجعت بشهر در روزنامه ها خواندم که ۶۸ نفر بجله رفته و تمایل خود را بشخص ایشان اظهار کرده اند و بدانستم از چه نظر خواسته اند کاری برخلاف قانون اساسی بکنند زیرا طبق اصل هفتم: «موقع اتخاذ رأی باید سه چهارم اعضاء حاضر در مرکز حضور داشته باشند» و ۶۸ نفر از سه چهارم کمتر است و معلوم نشد که عده مزبور برای چه با آن عجله و شتاب بجله رفته و نخواستند که دیگران هم در رأی تمایل شرکت نمایند، سابقه اینطور حکم می‌کند که مجلس بهر کس رأی داد اگر قبول نمود بر طبق فرمان مأمور تشکیل دولت میشود و تادولت او بمجلس معرفی نشود رسیت پیدا نمیکنند و یک چنین دولتی اگر تصبیبی اتخاذ کند ارزش قانونی ندارد و از این نظر بود که موقع تصویب یک دوازدهم بودجه خرداد ماه منلکتی مجلس شوراییلی معارون وزارت دادگستری را که در زمان تصدی دولت های قبل معرفی شده بود در جلسه ۲۷ خردادماه پذیرفت و آنکسی که بنام وزیر در آن وزارتخانه بود احضار نکرد در این موقع که منلکت هزار جور گرفتار و محتاج بدولت رسمی است معلوم نیست این اشخاص چه خدمات گرانبهای میخوانند بمسلکت بکنند و چه قشهای برای اصلاحات ترسیم کرده اند که با نداشتن مقام رسمی بوزارتخانه ها حاضر میشوند و

نیخواهند تکلیف مسلکت را معلوم نمایند؛

چون بر طبق قسمت سیم اصل ۲۷ متمم قانون اساسی: «قوه اجرائیه مخصوص پادشاه است» معلوم نیست که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آنچه نظر راضی شده اند اشخاصیکه بمجلس معرفی شده و بعضی از آنها فاقد صلاحیتند در قوه مجریه حاضر شوند و مسلکت را بلامتکلیف گذارند من بیش از این عرض نمیکنم و توجهات شاهانه را بمقررات قانون اساسی جلب مینمایم.

در اینجا لازم میدانیم جوابی را که آقای دشتی

در همان جلسه بنطاق داده از صفحات ۴۵۵ و

۴۵۶ و ۴۵۷ شماره ۱۰۹ مجله مذاکرات مجلس

پاسخ دشتی بنطق دکتر مصدق

نقل کنیم:

دشتی - بنده خیلی خوشوقتیم که این جا مجال شد که آقای دکتر مصدق صحبت کردند خیلی خوشوقت تر میشدم اگر چند نفر دیگر از آقایان اقلیت هم صحبت میکردند و از طرف اکثریت هم جواب های لازم داده میشد. برای اینکه آنها تنها بقاضی نرفته باشند و در مقابل ابتکار عمومی مطرح شده باشد البته این شرحی را که آقای دکتر مصدق اینجا بیان فرمودند در طرف چند روز خواشان راجع و جور کرده اند و در خانه شان نشسته اند و يك لایحه ای تنظیم کرده اند و اینجا قرائت فرمودند و بنده حالا آن مجال را ندارم که بجزء همان طور جواب عرض کنم و از آقایان اکثریت نمی دارم که يك نسخه از بیانات ایشان را بدست آورده و یادقت مطالبه و جواب های لازم راتیه نبوده و بهر عرض مجلس شورای ملی برسانند و حالا آنچه را بنده بنظرم میرسد عرض میکنم و از مجلس شورای ملی هم تقاضا دارم با کمال بیطرفی و بیطرفی این عرایض را گوش کنند.

اولا - یکی اینکه در این دو هفته اخیر صحبت میشود و حتی در جلسه مختصر هم که در خدمت آقای رئیس تشکیل شد در آنجا هم صحبت شد و آن موضوع حمله است که با اکثریت مجلس میشود و میگویند ۱۴ ماه یا ۱۵ ماه است که اکثریت مجلس وقت مجلس راتلف میکنند من فقط خواستم عرض کنم که اکثریت فعلی اکثریت چند ماه قبل مجلس نیست چه بسا آقایانی که قبلا جزء اقلیت بودند و الان جزء اکثریت هستند مثل خود بنده که در کابینه ساعد جزء اقلیت بودم و در کابینه حکیمی جزء اقلیت بودم و همینطور یکمده دیگر از آقایانی که جزء اکثریت بودند و فعلا جزء اقلیت هستند بنابراین بطور مطلق و کلی - میشود گفت اقلیت و اکثریت فعلی را اینطور تعبیر کرد که از اول دوره چهاردهم همین اقلیت و اکثریت بوده است (دکتر مصدق - اشخاص موثر را میگویم) يك اقلیت چهل نفری باهم جمع بشوند بگویند ما اقلیت هستیم و يك عده هم صحبت نفری بگویند ما اکثریت هستیم این شکل نبود البته ...

رئیس - بفرمایید بحث تریبون آقایان تمد نویسان تمی شوند.

دشتی - من چون صحبت مختصر است اجازه بفرمایید همینجا عرض بکنم الان تمام میکنم، پس بنابراین حکم اقلیت و اکثریت را نمیشود پایه اش را روی چهارده ماه و پانزده ماه گذشته گذاشت مقصودم این است که این اشتباه دیگر تکرار نشود. و هر وقت میخواهند با اکثریت حمله کنند بگویند اکثریت چهارده ماه کاری نکرده است این اکثریت

تازہ بوجود آمده است اما راجع به اینکه د کتر میلیسپو وفلان ودورۃ سیزدهم مبالغتی صحبت فرمودند این را ہم بندہ الان جواب نیندہم فقط خاطرشان را متذکر میسازم کہ یکمده از اشخاص با کدامن دلایلی داشتند از نظر صلاح مملکت کہ با استخدام د کتر میلیسپو اقدام کردند وبہدہم کہ دیدند بدکاری کند با او مخالفت کردند و رفت۔ این رائی شود جرم وخیانتی برای دورۃ سیزدهم دانست و بعقیدہ بندہ دورۃ سیزدهم یکی از بہترین دورۃ ہای خوب مجلس است و از کارہای خوب آن دورۃ یکی همان عقد فرار داد بسا منفقین است (صحیح است) اگر آقایان بخاطر داشته باشند در دورۃ سیزدهم افکار عمومی خیلی موافق با این کار نبود بطوریکہ اگر یادتان باشد پشت همین تریبون سٹک بمرحوم قروغی زدند و بہ خود بندہ چندین مرتبہ باہست شہری و باوسایل مختلف تہدید کردند تہمت و افترا زدند ولی البتہ مجلس سیزدهم این را بصلاح مملکت دانست و صد در صد ایستادگی کرد وانجام داد (مهندس فریور۔ این را کہ کسی کشان نکرد!!) مضمودمن این است کہ دورۃ سیزدهم خدمت ہم کردہ است نباید گفت کہ ہبہ اش کاربرد کردہ است و این نکتہ را ہم باید بگویم کہ تا وقتی کہ افکار، اخلاق مملکت ما این است و مجلس ما این است و این مردم، ہمیشہ کارہای بد ہم میشود کارہای خوب ہم میشود پس بنا بر این بطور کلی نیشود گفت کہ دورۃ سیزدهم کار خوبی نکرده است۔ در دورۃ سیزدهم مردمان خیلی شریف و پاکدامنی داشت کہ شاید خود حضر تعالی ہم منکر آنها۔ نباشید۔ قضاوت دورۃ ہای مجلس، دورۃ سیزدهم و چہاردهم و یازدہم را بہمدہ تاریخ یکنذارید و اعتراض من بفرمایش آقای د کتر مصدق این است کہ ایشان ہمیشہ کلیاتی را میفرمایند کہ صحیح است ولی نتیجہ ای کہ میخوانند بگیری تہ با آن کلیات تطبیق نمی کند مثلا آقای د کتر۔ مصدق می فرمایند دولتی باید سر کار بیاید کہ مداخلہ در انتخابات نکنند۔ آقای گفتہ است کہ باید دولت آقای صدر دخالت در انتخابات بکند؟ در تمام رقای مایک کلمہ با ایشان راجع با انتخابات صحبت نشدہ است (کام بخش۔ ضمیرش مستتر است) و یک کلمہ در این مورد صحبت نشدہ است۔ حتی ما امیدوار نبودیم کہ کابینہ آقای صدر تا موقع انتخابات بماند یا اینکه اصلا انتخاباتی بشود یا نشود (قبادیان۔ تا قشون اجانب اینجا ہست انتخابات نخواہد شد) پس نباید فرمایشتی بفرمائید کہ وسیلہ بشود برای اینکه ذہن یکمده از و کلا و یکمده از مردم بیرون مشوب بشود۔ البتہ نسیخواہم بگویم کہ آقای د کتر مصدق برای مشوب شدن ذہن این حرفہا را میزنند ولی البتہ این بیانات ایشان باعث مشوب کردن ذہن اشخاص میشود زیرا وقتی شما فرمودند کہ کابینہ آقای صدر را آورده اند کہ مداخلہ در انتخابات بکنند، مردم یا یک عتہ و کلا خیال میکنند راستی یک همچو نقشہ ای موجود است در صورتیکہ اینطور نیست و چیزی کہ ابداً صحبت آن بیان نیامدہ است۔ انتخابات است۔ آقای د کتر مصدق فرمودند کہ باید یک اشخاصی را بیاوریم کہ مورد توجہ افکار عمومی باشد، بفرمائید اورا معرفی کنید، بفرمائید دوازده نفر وزیر را معرفی کنید کہ طرف توجہ افکار عمومی باشد و مجلس رأی بدهد (د کتر مصدق۔ بسیار خوب چشم) (مهندس فریور۔ گفتیم آقا) شما بیاید طرفنداری از آقای تھی زادہ بکنید و ایشان را کاندیدا بکنید یک آدم شریف، یک آدم وطنپرستی، یک آدم لایقی را معرفی بفرمائید (د کتر مصدق۔ اگر قبول نکنید چطور؟) شما بفرمائید ما قبول میکنیم (د کتر مصدق۔ بسیار خوب جلسہ دیگر معرفی میکنم) شما می فرمائید چہار پنج نفر را پیشنهاد کردید خدا شاہد است ہیچکدام از آنها دہ یک مقدرت فکری آقای صدر را نداشتند مگر درست کردن رئیس الوزراء کار آسانی است!! در یک مجلس صد نفری کہ دارای روحیات مختلف، مذاہبای مختلف، مشرب ہای مختلف است افکار اینہا را جمع کردن، براہ آوردن و یک شخصی را پیدا کردن مگر کار سادہ ایست، وقتی آقای

صدر تعیین شد بشما گفتیم بیائید در پر گرام کابینه او اعمال نظر کنید، در تعیین وزیرای آنها رأی و نظر بدهید با ما در ایجاد يك حکومت قوی و قانونی همکاری کنید و اگر حاضر شوید ما شمارا روی سرمان میگذاریم ولی شما نخواستید با ما همکاری کنید، ما سیاست مستور و پوشیده نداریم اگر نمیخواهید خودتان بروید اکثریت درست کنید ما با شما همکاری میکنیم اگر راجع بسوابق میگوئید من بشما میگویم که برای همه کس حرف میزنند، مگر نسبت بشهدی حسن بقال سر چهارسوق چوبی کسی حرفی نزنند، در این ملک همه را لجن مالیده اند و دیگر کسی نمانده است (تهرانچی - حکیم الملك) اجازه بفرمائید آقای طهرانچی اقلاً مراعات رفاقت را بکنید وقتی که بنده عرض میکنم فرمایشی فرمائید بعد اجازه بگیرد صحبت کنید این تریبون مجلس است و شأن مجلس هم این است که آزادی نطق را محترم بشمارید (صحیح است) و هر کس بتواند حرف خودش را بزند برای بنده که هیچوقت یادداشت نمیکنم و قبلاً نظرم را تینویسم اگر وسط حرفم حرف بزنید بادم میرود استدعا میکنم وسط حرف من حرف نزنید. (تهرانچی - چشم) اما راجع به تعیین رئیس الوزراء تقریباً بیست سال ما سیاست نداشتیم یعنی سیاست مستغلی که مردم مداخله در سیاست بکنند نداشتیم و يك عده از رجال ما هم در این بیست سال یا مردند یا کشته شدند و در این بازده سال اخیر هم يك عده از رجال ما آن رجال فرمایشی بودند (دکتر معظمی - شما از همان فرمایشی هاپشتیبانی میکنید!) اجازه بدهید آقا بنده میخواهم يك نتیجه دیگری بگیرم از کی پشتیبانی بکنیم؟ شما که دکتر معظمی هستید بفرمائید از کی پشتیبانی بکنیم؟ مقصود من این است که کشور از حیث رجال سیاسی فقیر است شما اگر حالا میخواهید مردمانی پیدا کنید که شریف باشند، پاکدامن باشند و استقلال فکری داشته باشند و مجرب و آزموده باشند آیا از این قبیل زیاد داریم و میتوانیم پیدا کنیم؟ (دکتر معظمی - کسی که شریف باشد نمیگذارد رشد کنند) برعکس الان شما نمیگذارید و موضوع روی کار آمدن صدر و پیدا کردن رئیس الوزراء پیش از دو ماه است که مطرح است چیز تازه ای نیست زیرا از اواخر کابینه بیات ما دچار بحران هستیم و تمام دستجات مجلس مرتباً دور هم می نشینند و حرف میزنند ولی متأسفانه نتیجه ای نمیگیرند برای چه؟ برای اینکه يك اکثریتی وجود ندارد اختلاف ذوق و سلیقه هست؛ شما خیال میکنید که ما یعنی کسانی که الان اکثریت را تشکیل داده اند نمی دانند که امروز اگر يك دولتی سرکار بیاید باید اقل هشتاد نود رأی داشته باشد؟! مگر ما این را نمی دانیم؛ اصل این فکر هیچ در مان نیست که بخواهیم که دولتی را تعیین کنیم که فقط شصت و هشتاد رأی داشته باشد. اینطور نیست اولاً - همانطور که عرض کردم ما از اواخر کابینه بیات مرتباً صحبت کردیم مخصوصاً بادم می آید يك روزی خودش آقای دکتر زنکنه و آقای دکتر معظمی ما تقریباً ده بازده نفر بودیم در خانه یکی از رفقا روی این زمینه صحبت کردیم هفت هشت نفری که ممکن بود رئیس الوزراء بشوند اسم بردیم - می گفتند این اینطور است، او اینطور است و بالاخره برای هر يك از آنها موافقی و معظوراتی ذکر شد، بعضی هارانی توانستیم بتصویب اکثریت برسانیم، بعضی هامعظورات دیگر داشتند، بعضی هارا برای اینکار کوچک یا غیر قابل میدانستیم - اینها نشان میدهد که درست کردن دولت کار سهل و آسانی نیست باید در درجه اول شخصی باشد که از لحاظ سیاست جنبه خشن و ناهمواری نداشته باشد آدمی باشد که سی-چهل سال وارد سیاست و خدمات دولتی باشد (مهندس فریور - اول پاکدامنیش را بفرمائید) صدر چه کار کرده است؟ صدر مرد معزومی است که پنجاه سال در این ملک خدمت کرده است، ممکن است

باب سلیقه شما نباشد، این مرد که دزد نیست، اجنبی پرست نیست، متین و بیخه مجرب است در این مملکت که ما آدم نداریم و آدمهایی را هم که داریم همی با این حرفها از بین میبریم پس چه کسی را باید بیاوریم؟ راجع بهمین آقای دکتر مصدق وقتی طرحی راجع به نفت اینجا مطرح کردند و تصویب شد ملاحظه فرمودید که چه چیزهایی نوشتند حالا هم این مرد محترمی که مدتها سابقه دارد بچه مناسبت اورالجن مال کنیم؛ در مملکت ما هر کس وارد کار میشود يك چیزهایی نسبت باو میگویند. اینکه آقایان اقلیت میگویند چرا باهمه صحبت نکردید من متقدم که باهمه صحبت کردیم همین آقای طهرانی که الان اینجا نشسته بودند قرقر میکردند میدانند که ما باهمه صحبت کردیم، باخود ایشان صحبت کردیم؛ با آقایان دیگر هم صحبت کردیم؛ در جلسه خصوصی دم صحبت کردیم و گفتیم که میخواهیم رأی بگیریم در همان موقع صحبت صدر بود، صحبت حکیم الملك بود و صحبت قوام السلطنه بود بالاخره صدر با شخصت و چند رأی که داشت برای رئیس الوزرائی در نظر گرفته شد. فرمایش دیگری هم آقای دکتر مصدق فرمودند که شاید میخواهند از این راه يك ابراد قانونی بگیرند آنرا هم باید جواب هــض کنیم. اینکه فرمودند در موقع رأی گرفتن عده کافی نبود این ابراد وارد نیست برای اینکه انتخاب و تعیین رئیس الوزرا مطابق قانون اساسی با شخص اعلیحضرت است (صحیح است) و با مجلس نیست (ایرج اسکندری - تعیین رئیس الوزراء با مجلس است با فرمان شاه) خیر با شخص شاه است ولی از لحاظ اینکه کسی را که شاه معین میکند در مقابل مجلس مسئول است و باید با مجلس کار کند قبلا يك تمایلی از مجلس میخواهند که ببینند این هوای مجلس، این آتسفر مجلس چه کسی بیشتر قبولیت دارد سابقاً معمول هم نبوده است که در مجلس رأی بگیرند (خطاب بر رئیس مجلس) و اگر نظر تان باشد آقای مومنین الملك هبش به فرا کیونها مراجعه میگردند و اظهار تمایل اکثریت مجلس را میخواهند و در فرنگ هم همینطور عمل میشود و معمول نیست که نسبت به تعیین رئیس الوزراء و وزراء در مجلس رأی بگیرند آروز هم عده حاضر در مجلس ۱۱۵ نفر بود و از ۱۱۵ نفر ۶۲ نفر رأی دادند و این رأی در حقیقت يك اظهار تمایلی است بمعنی يك رأی رسمی پارلمانی نیست فقط برای این است که اعلیحضرت هایبونی بفهمند که در مجلس به چه شخصی تمایل بیشتر موجود است و این رأی مجلس در این مورد با صورتی که مربوط به رأی گرفتن برای قوانین است نیست و بنظر من کابینه آقای صدر کابینه کاملاً قانونی است (صحیح است) برای اینکه او را شاه معین کرده است و زرایش را هم تعیین کرده است؛ حکمش را هم صادر کرده است (مهندس فریور همین: تمام شد!!!) (دکتر طاهری - شما که نیگذازید آقا) بعد هم باید بیاید و زرایش خود را به مجلس معرفی کنید و که امتناع نکرده است حاضر است بمجلس آمده کابینه خود را معرفی کند. وقتی که آمد بمجلس معرفی شد بر نامه اش مطرح شد آنوقت رأی گرفته میشود شاید رأی نداشته باشد آنوقت میرود - آقا شما باید مطابق اصول پارلمانی حرف بزنید من فعلاً نیگویم که صدر آدم خوب یا آدم بدی است ولی باید بیاید و معرفی شود و برگرام کابینه اش را بیاورد اگر در اطراف برگرامش مطالبی هست گفته شود در اطراف وزرای او حرف بزنیم و بعد هم اگر اکثریت نداشت برود بی کارش بنده عقیده ام این است که باید کابینه صدر بیاید در مجلس معرفی شود و اگر يك اکثریت قابل توجهی نداشته باشد ما خودمان میگوئیم که برود ما کی گفتیم که ایشان اگر اکثریت هم نداشته باشند باقی بمانند؛ ما کی گفتیم که ایشان بدون داشتن اکثریت باقی بمانند؛ ما با کمال اطمینان میگوئیم اگر رأی زیادی هم نداشته باشد عقیده داریم برود و کابینه ای تشکیل شود که اقلاً در حدود ۸۰ رأی داشته.

باشد ما کمی از همکاری باشما رو گردانندیم، در هشت ماه پیش در همین مجلس حاضر بودیم ۹۰ رأی یا صد رأی آقای دکتر مصدق بشما بدهیم (فرهودی - باتفاق رأی میدادیم) چرا؟ برای این که ما قصدمان این بود که این موقع صلاح سلطنت چه از نظریات خارجی و چه از نظریات داخلی مستلزم این است که ما با یکدیگر اتفاق و ائتلاف داشته باشیم (صحیح است) آقای دکتر مصدق اشاره کردند که مجلس حتی در موقع گذراندن يك دوازدهم معاون وزارت مالیه را قبول کرد و این دلیل است که بدولت اعتمادی ندارد خیر این برای این بود که اگر وزیر مالیه می آمد شما بلند میشدید و میرفتید آن وقت مستخدمین دولت حقوقی نداشتند و مخارج سلطنت را نمیشد معطل گذاشت، آنوقت چون وزیر نمی آید معاون او باید بیاید پس اگر شما با این دلیل میخواهید بگوئید که کابینه صدر کابینه قانونی نیست این صحیح نیست و کابینه صدر کاملاً قانونی است و شما نمیتوانید بگوئید که قانونی نیست (صحیح است) (فریور - تا وقتی که رأی اعتماد داده نشده بیوجب قانون اساسی قانونی نیست این در همه جای دنیا معمول است) آقای مهندس فریور اگر سابقه مراجعه کنید که رأی مجلس منطبق تعیین و انتخاب رئیس الوزراء نیست و سابقه هم وقتی معتبر است که مطابق نص باشد الان نص صریحی مثل قانون اساسی در مقابل ما است و ما امروز دستور اساسی مان قانون اساسی است و نباید از قانون اساسی يك کلمه را تغییر بدهیم (صحیح است) مطابق قانون اساسی هم تعیین رئیس الوزراء و وزراء با شاه است منتهی مجلس آنرا باید تأیید بکند یا رد کند ما در مقابل افکار عامه ایران از شما خواهش میکنیم که بیاید اینجا بنشینید و در برنامه صدر مذاکره کنید و او را رد کنید.

دعوت دربار

از نمایندگان اقلیت و اکثریت

اسم این بخش به خصوص صبیح
ع - زیکی اخلاقی

چون دولت صدر که رأی اعتماد نداشت و بقول یکی از جراید کابینه «نیمه بند» بود در امور مهمه سلطنت دخالت و تصمیمات مؤثری اتخاذ مینمود که معلوم نبود بمصلحت کشور باشد و ایسترو کسیون ادامه داشت و مذاکرات بین اقلیت و اکثریت هم منتج به نتیجه ای نگردید بدعوت دربار نمایندگان اکثریت: آقایان دشتی - آصف فاطمی - بهبهانی - دکتر طاهری - فیروز آبادی

و نمایندگان اقلیت: آقایان اسکندری (امیر نصرت) - رفیع - صدر قاضی - دکتر مصدق و از فرا کسیون توده دکتر ادمش بحضور شاهانه شرفیاب و توضیحاتی راجع به جریان امور دادند.

در این شرفیابی که در نهم تیر ماه وقوع یافت دکتر مصدق چنین عرض رسانید: «بنده چهاردمهه بود که منفرد بودم ولی چون دیدم اکثریت کارهای مفیدی نمیکند و دولتها را میآورند و بدون دلیل ساقط میکنند مثل اینکه دولت بیات را اکثریت آورد

و بدون دلیل انداخت^{۱۱} و همچنین دولت حکیمی را پس از چند روز بحث در اطراف برنامه اش ساقط کرد و در جریان اخیر هم برخلاف قانون و نزاکت رفتار نمود و در

(۱) در جلسه مطبوعاتی پنجم تیرماه که در منزل آقای رفیع تشکیل شد در جواب ستوالی آقای ملکی مدیر روزنامه ستاره دکنتر مصدق بیانات ذیل را نمود: (غل از روزنامه ستاره شماره ۲۱۰۵ مورخ ۷ تیرماه ۱۳۲۴)

من از بدو شروع خدمات سیاسی با استخدام مستشار مخالف بودم و البته «اینکه منکر فضل و دانش آنان باشم بلکه آنانرا دلسوزتر از ایرانی بحال سلطنت نبدانم و سوابق فعلی هم مخالفت من با مستشاران در ادارات مختلف قانونگذاری دارد و در این موقع هم حکم همان سوابق با آقای دکتر میاییو مخالف بودم از اوایل دوره مخالفت خود را ابراز میداشتم ولی اکثریت موافق بود و بدیهی است بین اکثریت هم اقرار و طنزست زیاد است ولی اشخاصی که از تند و تماش و نخ و غیره استفاده میکردند مانع بودند و امروز دیگر بایستی برده باره شود و حقایق را بگویم تا مملکت بوادی نیستی سوق نیاید.

آقای بیات راست است که هستبره زاده من است ولی دو سال بدو حال سراغ مرا نیکوید در موقتی که از طرف همین آقایان اکثریت نامزد نخست وزیری گردید بنوعه داده که دکنتر میاییو را خارج کنند و بوعده خود وفا کرد ولی بک سازمان اقتصادی درست کرد که من مخالف بودم و بوسیله آقای عزت الله بیات یا بشان بیفام دادم که این سازمان اقتصادی شباهت ضرر مملکت است و مقصود این است که من شخصاً طرفدار ایشان نبودم و اگر اقلیت بجزت را نامزد نموده است من هم جزو اقلیت هستم و بک فرد آن میباشم.

آقایان از باب مطبوعات بخواهی میداند که چراید رکن چهارم مشروطیت میباشد و بایستی افکار عامه را یاز نماید و حقایق را ب مردم بگویند اینکه گفته میشود اقلیت دیکناتوری میکند تهمت معنی است بلکه ما باین آقایان میگوئیم شاهرشخص صالحی را انتخاب می کنید ما هم موافقت داریم بنده صراحتاً عرض میکنم که این آقایان نایبگان اعتبارنامه خود را از دست ملت نگرفته اند تا خود را وکیل ملت بدانند و برفع او کار کنند ما میخواهیم مبارزه کنیم تا ملت بتواند و کلای حقیقی خود را انتخاب نماید و خود اعتبارنامه بدست آنان بدهد میفرمائید مجلس چهاردهم کاری نکرد ولی مجلس چهاردهم اگر کاری نکرد خیالتی هم ننمود و ما با تمام قوا مقاومت کردیم که بضرر مملکت و مردم هلی واقع نشود.

در دوره سیزدهم مستشار خارجی بضرر مملکت استخدام شد و قرارداد مالی منعقد گردید و مالیات بر درآمد را تصویب نمودند.

اگر در انگلستان مالیات بر درآمد هست مردم میداند که نام مالیات بشفقت مردم صرف امور مملکت میشود و اگر مالیات بر درآمد هم در انگلستان نبود اهالی وطن پرست بانهایت رغبت خودشان خرج جنگ را میدادند و بنامیت همین فداکاری ملت انگلیس بود که دشمن را مغلوب ساختند ولی این قانون مالیات بر درآمد ما حاصل اولی را برهم زدند بولی وصول نمودند و نه به نفع مردم صرف شد البته دولت طبق ترازنامه سال ۳۲۴ بیانه ملی ۳۵۳ میلیون تومان بدهکار است و این بول از گنج داده میشود؟ خزانه تهی است و اوضاع مالی خراب و اینها است چند نمونه از همل دوره سیزدهم و اگر قرارداد راستند عمل خود میداند بنده بانهایت صداقت عرض میکنم که باید از منتقین تشکر نمود که پیش از این از ما نخواستند و الا آن آقایان تصدیق مینمودند ولی دوره چهاردهم چنین عملیاتی نمود و البته هم برای حق مشروع ملت ایران مبارزه میکنند و اما راجع با افراد اقلیت اولاد هر تیبی خوب و بد موجود است بنده از اول تنها در اقلیت بودم ولی بعداً همدما بچند نفر رسید و آنکسی اگر کسی عمل بدی انجام داده و امروز توبه نموده و وارد همل خیر شود ما بایستی او را در کتیم و از طرفی برای مبارزه ما محتاج به رأی و عدد میباشیم تا بتوانیم موفق شویم - امروز هر کسی وارد اقلیت شود بدون توجه با حال جایش او را میپذیریم تا بضمود نایل شویم و از مداخلات غیر قانونی در انتخابات جلوگیری نمایم.

جلسه اینکه حد تصاب نداشت اتخاذ رأی کرد لذا عدهٔ نمایندگان باین فکر افتادند که اقلیتی تشکیل دهند و جلوی اشتباهات اکثریت را بگیرند و ما نمایندگان تصمیم گرفتیم که باین کابینه مخالفت کنیم زیرا تا دولتی بمجلس معرفی و برنامه‌اش تصویب نشود در مقابل مجلس قبول مسئولیت نکند رسمیت ندارد.

متن نامه اقلیت بریاست مجلس در باره حاضر بودن برای شرکت در جلسات

این شرفیابی هم نتیجه نداد و اختلاف دستجات باقی و برقرار ماند و چون بعضی از نمایندگان میگفتند که آقای صدر میخواهد برنامه دولت در مجلس مطرح شود و با طرز آبرومندی کناره جوئی کند اقلیت هم با این نظریه نمیکخواست مخالفت کند لذا هیئت عامله اقلیت شرح ذیل را بریاست مجلس نگاشته و حاضر بودن نمایندگان اقلیت را برای شرکت در جلسات اعلام نمود.

تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۲۴

ریاست محترم مجلس شورای ملی

بیرو مذاکرات مکرری که در طی این مدت بعمل آمده نظر باینکه اقلیت معتقد است که جناب آقای صدر قادر بحل معضلات موجوده و حفظ مصالح حیاتی کشور نیستند برای جلوگیری از اتلاف وقت و رفع اختلاف در این موقع خطیر نمایندگان اقلیت حاضر خواهند بود در جلسه علنی مجلس شرکت نمایند مشروط بر اینکه ریاست محترم مجلس بهر نحو مقتضی میدانند اطمینان حاصل نموده و به نمایندگان اقلیت نیز اطمینان دهند که پس از طرح برنامه آقای صدر بلافاصله بر کنار شوند انتظار داریم این حسن نیت نمایندگان اقلیت که برای رفع بلا تکلیفی ابراز میشود و کاملاً بروفق مصالح کشور و خیر عامه است مورد توجه نمایندگان اکثریت واقع و بدین وسیله موجبات توافق بیشتری برای انجام امور کشور فراهم گردد.

امضاء: دکتر مصدق - امیر نصرت اسکندری - حکمت - فریور - نهرانچی

جلسه هیئت عامله اقلیت با حضور صدر
و تصمیم منتهی

پس از این نامه بین آقایان صدر و دکتر معظمی مذاکراتی شده بود که آقای دکتر معظمی نتیجه را در جلسه نمایندگان اقلیت اظهار نموده و فرارشد که در ۲۴ تیرماه

جلسه از هیئت عامله نمایندگان اقلیت با حضور آقای صدر در مجلس تشکیل و تصمیمی که مقتضی است اتخاذ شود لذا جلسه مزبور تشکیل و صورت جلسه ذیل تنظیم گردید:

« هیئت عامله اقلیت مجلس شورای ملی با حضور آقای صدر موافقت نمودند که در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۴ اقلیت از اوبسترو کسیون صرف نظر کند و جلسه مجلس شورای ملی تشکیل شده جناب آقای صدر پس از معرفی دولت و رأی بر نامه چنانچه عده مخالفین و مستمنین دولت بجهل نغز بالغ شد فی المجلس استغای خود را برض مجلس رسانده و به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم نماید. محل امضاء: رضا رفیع - اسکندری
دکتر همدان - رضا حکمت - افخمی - غلامعلی فریور - محمد رضا تهرانی



آقای عزت‌الله بیات

آقای ابراهیم آفتابیان

از نمایندگان اقلیت

روش اقلیت در موقع طرح برنامه

چون معمول این است که دستور مذاکرات هر جلسه، خارج از مجلس بدیوار نصب میشود تا نمایندگان مخالف و موافق در آن اسم نویسی کنند و در جلسه بترتیبی که اسم نویسی شده صحبت نمایند برای اینکه تکلیف دولت هر چه زودتر معلوم شود و مملکت از بلا تکلیفی درآید، نمایندگان اقلیت از اسم نویسی خود داری نمودند تا اینکه مخالفی نباشد و بحث در برنامه زود خاتمه یابد ولی نمایندگان اکثریت درستون مخالف و موافق هر دو اسم نویسی کردند تا بحث در برنامه طول بکشد و شاید حوادثی روی دهد که دولت را بتوانند نگاه بدارند، وزراء هم هر کدام بقدر استطاعت و توانائی خود بنمایندگان وعده هائی میدادند چنانکه وزیر دارائی گفته بود: «قانون مالیات

بر در آمد را که عموماً با آن مخالف بودند اصلاح میکنم» و چنانچه پیشنهاد اصلاحی خود را میداد اقلیت نمیتوانست مبارزه کند زیرا با اصلاح قانون مزبور کسی نبود که مخالف باشد و به محض اینکه لایحه دولت مطرح میشد همه میگفتند که دولت میخواهد قدم مهمی بردارد و اقلیت مانع است.

در باره قانون مالیات بر درآمد میلیپیو

در اینجا بی تناسبی نیست که در باره قانون مالیات بر درآمد میلیپیو

تذکری بدهیم:



قانون مالیات بر درآمد مزبور که از قانون مالیاتی انگلیس در زمان جنک اقتباس شده و بانفوذ و قدرت دکتر میلیپیو از مجلس سیزده گذشته بواسطه نرخ زیاد و سوء تشکیلات، کارر شوه و فساد اخلاق را بجائی رساند که هیچکس نمیتوانست از منهیات قانونی و اخلاقی خود را حفظ کند و منطبق نداشت که عده متمول و خود خواه با وسایلی که داشتند مالیات ندهند و یا بسیار کم بدهند ولی دیگران از راه وطن پرستی و صحت عمل بواسطه عواید قلمدادی متصدیان امور زیر پا بروند، زیرا اخطارهای مالیاتی (پیش آگهی ها) بقدری اقرار آمیز بود که یا مؤدیان میبایست دارائی خود را بدولت بدهند و یا با اعمال دولت سازش و بدهی خود را منتهی ب صفر کنند.

هر قانون جا و محلی دارد و هر مملکت بیک طرز اداره میشود، آنهایی که در این

مملکت چیزی ندارند و ناکنون مالیاتی تماده اند و از وطن پرستی انگلیسها وسوء-
 تشکیلات این مملکت بی خبرند یا نجاهل عارف میکنند و با قصدی غیر از اجرائی
 نظریات بیگانگان ندارند - این قانون گذشته از اینکه جامعه را فاسد نمود دولت
 را هم متضرر کرد زیرا آنچه در نتیجه اجرای آن بدولت رسید بمراتب کمتر از آن
 بود که سالهای قبل از محسوب آن عاید دولت میشد و منطبق نداشت در این مملکت
 که جنگ با کسی نداشت چنین قانونی اجرا شود و مردم هر چه دارند دولت بگیرد و
 بدستور عمال بیگانه مصرف کند این بود که نمایندگان اقلیت خودشان طرحی تهیه
 نمودند و حربه اصلاح قانون مالیات بر درآمد را از دست دولت گرفتند.



مخالف با طرح قانونی راجع بتحریم انتخابات و پیشنهاد يك دوازدهم بودجه مملکتی

در جلسه ۲۶ تیرماه وزیر دارائی لایحه $\frac{۴}{۱۳}$ بمجلس داد که برای جلوگیری از
 تعویق پرداخت حقوق مستخدمین و تأمین رفاه آنان در جلسات ۲۸ تیرماه و ۲ مرداد
 اقلیت شرکت نمود و در جلسه اخیر فقط يك دوازدهم با کثرت ۶۸ رأی موافق در
 مقابل پنج مخالف و هفده ممتنع بتصویب رسید و دکتر مصدق پیشنهاد نمود که خبر
 کمیسیون بودجه از دستور خارج شود و عنوان توضیح در پیشنهاد خود نطق ذیل را
 ابرام کرد (هل از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۲ چهارم مرداد ۱۳۲۴ صفحه ۴۷۵)

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم خیر که بیسویں بودجه از دستور امر و روز خارج شود .

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - با این لایحه بنده شخصاً مخالفم و این عرضی که عرض میکنم از طرف خودم عرض میکنم و بهیچوجه هم مربوط با اقلیت نیست که بین اجازه داده باشد یا نداده باشد من یا این لایحه دولت مخالفم برای اینکه با خود دولت مخالفم علت اینکه من با دولت مخالف هستم این است که بواسطه وضعیت جنگ کنونی و وضعیت جغرافیائی این مملکت قشون خارجی مملکت ما را اشغال کرده و هیچ ایرانی نیست که از این اشغال راضی باشد (صحیح است) همه ناراضی هستند (البته - صحیح است) ولی برای اینکه یک اشخاصی نظرشان این است که اگر قشون خارجی در این مملکت باشد انتخابات آزاد نخواهد شد و باید قشون خارجی برود تا انتخابات آزاد بشود (صحیح است) این نظر یکدمه است و برای اینکه بنده شنیده ام که یک طرحی آورده اند و میخواهند مطرح بکنند در مجلس که مادامیکه قشون خارجی در این مملکت هست انتخابات



اجراء نشود البته بنده شنیده ام (صحیح است) این لایحه ، این طرح قانونی نتیجه اش این میشود اگر قشون خارجی در این مملکت ماند و نرفت یا انتخابات اصلاً تجدید نشود و یا مجلس در آخر انقضای مدت تمدید شود . اگر انتخابات نشد این بر خلاف اصل هفتم قانون اساسی است که مینویسد : « اصول مشروطیت کلاً و جزئاً تعطیل بردار نیست » و اگر آمدند و مجلس را خواستند تمدید کنند .

دکتر ظاهری - این فرمایشات شما موضوع ندارد .

دکتر مصدق - اجازه فرمائید من با دولت مخالفم و باید نظر خودم را بگویم ، اگر انتخابات نشد بکلی اصلاً مجلس تعطیل خواهد شد و این بر خلاف اصل هفتم قانون اساسی است (صحیح است) و اگر بخواهید تمدید کنید آنهم بر خلاف قانون اساسی - است (صحیح است) بجهت اینکه اصل پنجم قانون اساسی دوره مجلس را دو سال معین کرده است و این را هم باید عرض کنم که این مردم هم اساساً اکثریت این مجلس را نمایندند خودشان نمیدانند (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست) پس بنده میخواهم عرض کنم که تنها قشون خارجی فقط مؤثر در انتخابات ما نیست ، چرا که بجهت اینکه در دوره بیست ساله قشون خارجی در مملکت ما نبوده اند و ما انتخابات نداریم پس یک چیز دیگری هم هست

و تا آن چیز مرتفع نشود انتخابات آزاد نمیشود (صحیح است) میخواهد قشون خارجی باشد میخواهد نباشد چون در دوره ۲۰ ساله قشون خارجی نبود و انتخابات آنطور بود پس نظر ما این است که امروز يك دولتی تشکیل شود که بتمام معنی مورد سوء ظن هیچک از مجاورین ما نباشد و مورد اعتماد جامعه ملت ایران باشد، يك دولتی باید تشکیل شود که مطیع نمایندگان مجلس شورای ملی نباشد (همیشه نمایندگان) (سنتدجی - یعنی مطیع فرد نباشد) بلکه بنده هم مقصودم این است که مطیع فرد و مطیع شخص نباشد - اگر نمایندگان مجلس توانستند در يك دولتی مؤثر واقع شوند آن وقت دوره پانزدهم هم از دوره چهاردهم بدتر خواهد شد پس نظر ما این است و داخل در صلاحیت شخصی این دولت هم نمیشوم فقط بنده عرض میکنم که بنده این دولت را آن دولتی که بتواند این مسئله را تأمین کند نپسندم و باید دولتی تشکیل شود که بهیچوجه مورد سوء ظن هیچک از مجاورین ما نباشد، حالا



آقای سید صالح مفاقرزاده

آقای مهندس فریور

از نمایندگان اقلیت

بیش از این عرضی نمیکنم ما مدت چهل روز بود که در مجلس نمی آمدیم چه شد که آمدیم برای اینکه مذاکراتی با خود رئیس دولت کردیم و ما را متقاعد کردند، مذاکراتی هم که با نمایندگان اکثریت کردیم بالاخره مورد تودید اکثریت واقع شد و گفته اینها نماینده ما نیستند (بعضی از نمایندگان با همیشه خیر آقا اینطور نیست) و بالاخره امروز ما برای این آمدیم که عرض کنیم بهیچوجه من الوجوه حاضر نیستیم که از عمل ما مستخدمین مملکت مستخدمین دولت که با کمترین حقوق و یکمده زبانشان با وضع سختی زندگی میکنند با این حال با نهایت صحت عمل و درستی کار میکنند از این ابسترو کسیون مامتضرر شوند و بگویند که ما با کمترین حقوق زندگی میکنیم بواسطه يك مذاکراتی که بین اقلیت و اکثریت هست حقوق ما بتعویق میافتد، جز این نظر نداشتیم عجالتاً ما يك طرحی پیشنهاد کردیم و آقایان محترم هم که البته همیشه ما با آنها همراهی و احترام کرده ایم با این طرح موافقت کنند و طرحی که ما پیشنهاد کرده ایم مطابق همین لایحه دولت است که در کمیسیون بودجه تصویب شده فقط و فقط ما يك دوازدهم آن را پیشنهاد کرده ایم و نماینده محترم دولت هم در اینجا هست از آقایان هم استدعا میکنم که این طرح يك دوازدهم را مطرح بفرمایند آنوقت کار دولت ما باشما باشد برای جلسه بعد (صحیح است)

(طرح مزبور را بشرح زیر آقای دکتر مصدق قرائت نمودند)

مجلس شورای ملی :

نظر باینکه نمایندگان اقلیت بتوان مخالفت با دولت جناب آقای صدر حاضر نیستند بلاوجه اینکه دولت نامبرده پیشنهاد مجلس نموده است رأی بدهند و نظر باینکه مخالفت اقلیت با دولت نمی تواند سبب شود که در تادیبه حقوق مستخدمین دولت یعنی آن مستخدمینی که با حقوق غیر کافی ساخته و از طریق درستی و وظیفه شناسی منحرف نشده اند و همچنین مصارف مؤسسات عام النفعه تأخیر شود علیهذا امضاء کنندگان ذیل خبر کمیسیون بودجه را فقط برای يك دوازدهم به عنوان طرح قانونی پیشنهاد و تصویب آنرا بقید فوریت درخواست مینماییم :

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود کلیه حقوق و هزینه های مستمر و غیرمستمر وزارت خاها و ادارات و دستگاههای دولتی و سایر هزینه های کشور را برای نهم ماه



آقای دکتر علی

آقای مهدس پناهی

از نمایندگان اقلیت

۱۳۲۴ در حدود يك دوازدهم اعتبارات مصوب سال ۱۳۲۳ پرداخت نماید . این پرداخت - با رعایت قوانین مربوط با اعتبارات سال ۱۳۲۳ و بر طبق قانون بودجه سال ۱۳۲۲ و قانون متمم بودجه سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ و قانون و آئین نامه های کنگ کارمندان بصل خواهد آمد .

تبصره ۱- کنگ کارمندان وزارت جنگ نیز مانند سایر وزارتخانه ها و ادارات دولتی از محل درآمد سال ۱۳۲۴ کشور قابل پرداخت میباشد .

تبصره ۲- وزارت دارائی مجاز است هزینه نگاهداری یک هزار نفر زاندارم احتیاط را که در سال ۱۳۲۴ نیز اعتبار مخصوصی برای آن تصویب شده بود در چهار ماهه اول سال ۱۳۲۴ در حدود دو میلیون ریال پرداخت و ضمن بودجه سال جاری ژاندارمری اعتبار سالیانه آن را منظور نماید .

تبصره ۳- مفاد تبصره (۱) ماده واحده مصوب ۳۱ فروردین ماه ۱۳۲۳ موضوع سخواء گردان خزانه داری کل مادام که لغو نگردیده بقوت خود باقی است

این آقا طرح ما بود چون عجالاً ما بلائیه دولت نمیتوانیم رأی بدهیم برای اینکه رأی دادن بلائیه دولت تا اندازه سبب میشود که مابعدولت اعتماد داریم (بعضی از نمایندگان ایطوریست) پس از شما آقایان عاجزانه استدعا میکنم، درخواست میکنم با ما موافقت فرمایند چون برای يك دوازدهم است که ما هم نمیتوانیم رأی بدهیم والا اگر بخواهید نکتید باز ما دچار مشکلاتی خواهیم شد که اگر بلائیه دولت رأی بدهیم مثل این است که بعولت رأی داده ایم.

پاسخ دشتی بنطق نماینده اول تهران

در مقابل این نطق آقای دشتی جوابی داد که تازه همان شماره «مجله مذاکرات مجلس»

صفحات ۴۷۵ و ۴۷۶ نقل میشود:

دشتی - عرض کنم که استدلالات آقای دکتر مصدق بیپهلوچه مانع از نتیجه ای که گرفته



آقای صدر لاسی

آقای دشتی

از نمایندگان اقلیت

منطقی نبود یعنی نتیجه با مقدمه استدلالاتشان هیچ شبیه نبود این بارها اتفاق میافتد و در ایران معمول است که اشخاص استدلالی که میکنند، کلیاتی را که مورد اتفاق مردم است میگویند ولی نتیجه ای که میگیرند هیچ بآن مربوط نیست مثلاً ایشان میگویند يك دولتی نباید باشد که مورد سوء ظن همسایگان باشد، یا يك دولتی میخواهیم که مداخله در انتخابات نکند بنا بر این یا این دولت مخالفم (دکتر مصدق - بله) ما همین دلیل استدلال میکنیم که باین دولت معتقد هستیم (صحیح است) پس این نتیجه شما مسلم نیست و مقدمه شما باین - نتیجه ای که فرمودید منطبق نمیشود و بیپهلوچه صحیح نیست یعنی استدلال منطبق با نتیجه نمیشود و موجه نیست (صحیح است) (مظفر زاده - ولی ملت ایران میخواهد) اما این پیشنهادی که فرمودید که لایحه ۲ دوازدهم از دستور خارج شود چه مربوط به کابینه صدر است؟! چه مربوط به موافقت یا مخالفت با کابینه است؟! چه مربوط با انتخابات و این حرفهاست؟! چه لزوم دارد باینکه شما فکر مردم را حالا بخواهید مشوب بکنید راجع به انتخابات آینده؟!!

دکتر مصدق - ما فکر مردم را مشوب نمیکنیم.

اما راجع بآن طرحی که فرمودید اجازه بدهید توضیح بدهم رفع شبهه بشود، آن

کسانی که این طرح را خیال کرده اند پیشنهاد بکنند این را يك وسيله‌ای مي‌دانند که اگر این طرح تصویب شود بعد از سه ماه دیگر قشون بیگانه از این کشور خارج خواهد شد (صحیح است - صحیح است) چرا فکر مردم را بیخود مسوم میکنید؟ (دکتر مصدق - مافکر مردم را مسوم نمیکنیم) ما معتقدیم که يك ملکتي مجلس شورای ملی نداشته باشد بهتر است از اینکه مجلس شورای ملی داشته باشد ولی در تحت نفوذ اجنبی (صحیح است - اجنت)

دکتر مصدق - اشتباه کاری نکنید ۲۰ سال تمام در این مملکت شماها در این مجلس و کابل بودید و این خرابکاریها پیش آمد (همه نمایندگان - صدای زنگ)

دکتر مصدق - اشتباه کاری بی استیسی است؛ بی استیسی است.
بین استدیاری - ۲۰ سال است شما لیاقت همان را داشتید.



دشتی - ما همه چیز را تحمل میکنیم. نوب این مملکت ولی نمیتوانیم تحمل کنیم که مجلس با نفوذ اجانب وجود داشته باشد (صحیح است - اجنت - اجنت)

دکتر مصدق - ۴۰ سال است شما اینکار را کردید ما میخواهیم مجلس، مجلس ملی ایران باشد.

هاشمی - بیست سال مجلس ایران بود نه مجلس اجنبی (صحیح است) ۲۰ سال تمام مجلس ایران بود نه مجلس خارجی و اجنبی (صحیح است)

دکتر مصدق - ۴۰ سال قشون خارجی نبود و انتخاباتتان بآن نحو بود. اشتباه کاری بی استیسی است...

دشتی - شما هر چه بفرمائید ما احترام شما را از دست نمیدهم ...

دکتر مصدق - من احترام شما را میخواهم چه بکنم؟! میخواهید احترام بکنید میخواهید نکنید

دشتی - ولی شما کاری دارید میکنید که احترام شما دارد میبرد. اگر يك روز این طرح مطرح شد آن وقت بشما میگویم قضا با از چه فرار است و موضوع را حلایی میکنم و بشما نشان میدهم.

دکتر مصدق - چه چیز نشان میدهید؟!!

دشتی - آقای دکتر مصدق هنوز گویند نمایندگان هستند اندر عراق - که قوه ناطقه

هدد از ایشان برد (۱) (صحیح است - احسن - احسن) حالاً می‌آیم - موضوع : راجع

(۱) مذاکرات این جلسه مورد بحث غالباً ازجریده قرار گرفت از جمله روزنامه «اقدام» در شماره ۸۰۳ مورخ ۵ مرداد ۱۳۲۴ چنین نوشت : «..... هنوز گویندگان هستند که بدشتی بگویند..... و بالاخره تویکی از آن نمایندگان ایرانی هستی که افتخار میکنند که مدت بیست‌سال مجلس شورای باو کلاه ایرانی دایر و مفتوح بوده - اگر آنها ایرانی بودند چرا آنها ظلم و عدوان و استبداد را نسبت با ایرانیان روا داشتند؟ اگر گویندگان امروز در آن زمان زبان داشته فجایع قتل بزرگترین روحانیون و سیاسیون ایران مانند مرحوم مدرس و سردار اسعد و فرخی را بیان میکردند؟! - آنها ایرانی بوده و نیستند آنها بنده بنده یگانه بوده و اگر خالق در ذات آنها بنده یگانه نبود با یکساعت نفر یگانه مراد را بر فرار ترجیح میدادند - گویندگان عراق هنگامی که مرحوم مدرس سید روحانی پرهیزکار را در ماه میام باعامه خود خفه کردند کجا بودند که بگویند ما بزر زبان دراز داریم - دشتی مبرواهد یگانه و کیل خطی و محبوب ملت ایران را بادهای خود و با لفظ غلط عالی حلاجی کند..... آبا کسی هست که دکتر مصدق و مخالفین او را شناساند؟ آبا گویندگان عراق باین اندازه نجار گسیخته هستند که تهمت خیانت را به دکتر مصدق و کیل محبوب تمام ملت ایران بزنند و خود هم احسن بگویند و تصدیق نمایند و وعده حلاجی هم دهند..... این گویندگان چرا در مدت ۲۰ سال خاموش بودند و اگر بت کله طوطی وار میگفتند از پس آینه و در تمایم استاد اجنبی برست نقلی میشد، اگر مجلس گذشت با آن فجایع و جنایات انزالی بوده که این ایرانی و این ایرانیان وطن فروش از ایران دور شوند - این گویندگان اکنون و این زبان درازان اغرس میگویند دکتر مصدق و امثال او بیگانه و وارد ایران کرده اند - آبا دکتر مصدق عامل کودتا بوده؟ - این بنارا سید شهاب الدین نهاد این اجنبی و این اجنبی برست - این کشاکش و فتنه و هنگامه کارگر و سرمایه دار را سید برپا کرده که امروز دشتی حامی او و مروج عقیده و مدافع حکومت وی شده اجنبی را دکتر مصدق با نفوی بر ایران و ایرانی مسلط نکرده اجنبی راهمال کودتای دیروز و مبتنی کودتای امروز آورده اند..... و کلای اکثریت بصدق میگویند همه شمارا میشناسند آری همه مصدق را خوب میشناسند این همان مصدق است که سردار به را در ادهای حیات ملت تکذیب نمود این همان مصدق است که با مخالفت دژخیم خود همان اژدها رفت و باز سالم ماند که امروز از حق دفاع کند و گویند حقیقت باشد گویند او و ما هستیم نه مادحین رضا خان و مهال دوره سپاه که روزگار ایران را بدین تیرگی و پریشانی کشید - گویند مخالف سردار سیه با گویند مشفق و مظلوم مستبدین و نمایند تحلیلی..... تفاوت دارد او در زمان قدرت و استبداد گویند حق بود و باز در همین زمان که اخلاف و اقطاب بریزه خواری آن رضاخان میخواهند حکومت او را حفظ و تجدید نمایند باز گویند حق است - ما بر بار ظلم از غنیمت از دوره سردار سیه ارتزاق نمودیم و کیل تحلیلی وزیر خائن نشدیم و گره قدرت و پیوه بیان ما بیشتر از.....»



روزنامه کیهان در شماره ۷۲۳ مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۲۴ تحت عنوان : «دکتر مصدق اجنبی آورده» روحی و بین اسفند باری به دکتر مصدق گفتند همه شمارا میشناسند - دشتی دکتر مصدق را حلاجی خواهد کرد» چنین نوشت :

«..... در میان اطق دشتی و قطع نطق ایشان از طرف دکتر مصدق صدهای دل آویز و گفته های ظریفی نیز از گوشه و کنار بگوش میرسد و از آن جمله این بود که آقایان بین اسفندیاری و روحی به دکتر مصدق گفتند «همه شمارا میشناسند» و اما هم همه دکتر مصدق را میشناسند، اگر او را نپشناختند نماینده اول مرکز میشد و مردم با هزاران امید و آرزو او را ب مجلس میفرستادند.....»

آری مردم دکتر مصدق را میشناسند و وقتی دیدند انتخابات اغلب شهرستانها با سرنیزه

بجای پاروخی در ذیل صفحه به

راجع به دود و دوازدهم...
 به دود و دوازدهم خبر کمیسیون بودجه که در جلسه قبل پیشنهاد شد جزء دستور بشود مامواقت کرده بودیم که اول برنامه دولت مطرح بشود بعد بیائیم سر این دو دوازدهم ولی یکی از رفقای اکثریت ما موافقت کردند باینکه خبر کمیسیون بودجه راجع به دو دوازدهم مطرح بشود برای چه؟ برای اینکه ما خودمان میدانیم که اغلب مأمورین دولت مردمان فقیر و بیچاره ای هستند (صحیح است) و مهمتر از همه اینکه اگر این حقوق بآنها سروقت نرسد اینها ممکن است اغتشاش بکنند و دست خارجی هم از این اغتشاش استفاده بکند (صحیح است) (مهندس فریور - بهمین مناسبت ما هم طرح قانونی دادیم) از این جهت آمدیم و این را پیشنهاد کردیم و تصویب شد. آقایان هم ایستروکسیون کردند البته بنده از کسانی نبودم که شخصاً عمل آقایان را حمل بر سوء نیت بکنم که بگویم قصدشان این بوده است که حقوق کارمندان دولت نرسد و اغتشاش برپا شود و دست اجنبی استفاده بکند، آنهم در چه موقعی در موقعی که کفرائس پوتسدام مطرح است و ممکن است که مقدرات ما تغییر بکند بنا بر این



آقای مهدی عدلی



آقای تیمورتاش

از نمایندگان اقلیت

من این موضوع را حمل بر سوء نیت نمیکنم چون من شخصاً از آنهایی هستم که سوء ظن زیاد ندارم این را با رفا که صحبت کردم اینطور حمل کردم که این دو علت دارد که شما این

بقیه پاورقی صفحه قبل

و فشار و حقه بازی انجام گرفته ترسیدند که این مجلس ساختگی بملت خبات کند و او را ب مجلس فرستادند که عناصر صالحی را که در مجلس هستند دور خود جمع کرده و با اعمالی که مخالف مصالح مملکت است مبارزه کنند و دکتر مصدق نیز همان کار را میکند و اگر همس در کار او باشد فقط از این جهت است که عدم محدودی اشخاص صالح که در اکثریت هستند از آن دسته نباشد جدا نیشوند و با و نیشوندند... آقایان حرف آقای دکتر مصدق را که گفت شما در این نیست و کیل ملت نبوده اید، رد کرده گفتند: «اینطور نیست، در این بیست ساله و کیل ملت ایران بوده ایم» آقایان راستی اینطور نیست و شما و کیل ملت ایران بوده اید، آنچه ما از آن میترسیم این است که بقیه حرفهای شما نیز همینطور باشد و آن آزادی انتخاباتی را که شما میخواهید همان باشد که در این بیست ساله بوده است - برای ما جای شبهه نیست که شما باز هم یک چنین انتخاباتی را میخواهید... و ایستروکسیون اقلیت و طرفداری ملت ایران از ایشان نیز از همان ترس است...»

کاروا کردید يك علبش این است که اگر پول بدوات برسد دستش باز شود دیگر احتیاج به مجلس شورای ملی ندارد و یکی دیگر اینکه میگوئید ما اگر بساین لایحه رأی ندهیم خواهند گفت که برای مستخدمین دولت و دو دوازدهم حقوق آنها ما رأی نداده ایم و اگر رأی ندهیم مثل این است که بدولت رأی اعتماد داده باشیم و آنوقت ممکن است این را دولت ازش استفاده بکنند و رأی اعتماد فرض بکنند و خود را دیگر محتاج به مجلس ندانند ولی از آن روز تا بحال صحبتهایی کردیم حتی آخرین صحبتی که شد رفیق عزیز ما آقای تهرانی در حضور آقای رئیس صحبت کردند و گفتند که آقایان گفته اند ما بجای دو دوازدهم گزارش کمیسیون بودجه يك طرحی تهیه کرده ایم که يك دوازدهم باشد ما گفتیم اینکه معنی ندارد به بجه بازی شبیه تر است يك لایحه است که دولت تقدیم کرده و بر حسب نظر مجلس رفته است بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه هم خبرش را داده است ممکن است آقایان هم بهمان رأی بدهند منتهی ما هم اینجا رسماً اعلام میکنیم که این رأی ابتدا مربوط برأی



آقای صادقی



آقای آلوی

از نمایندگان اقلیت

اعتماد نیست (صحیح است) در حقیقت این رأی بمنزله رأی اعتماد بدولت نخواهد بود و ما هم آنرا رأی اعتماد بدولت قبول نمیکنیم (بعضی از نمایندگان - هیچ ربطی بدولت ندارد) و یازدهم الان در مقابل مخبرین جراید و ملت ایران قول میدهم (سنندجی - بلی تکلیف دولت بعد معلوم بشود) که برنامه دولت مطرح شود و روی برنامه دولت هم بحث شود و رأی اعتماد هم گرفته شود شترسواری که دلا دلا نمیشود دولتی است آمده است باید برنامه اش اینجا مطرح شود اگر اکثریت دارد میماند اگر ندارد میرود بی کارش غیر از این ما کاری نمیتوانیم بکنیم هیچ کسی غیر از این کاری نمیتواند بکند اگر غیر از این باشد خیانت بشروطیت است.

دکتر مصدق - مشروطه ای باقی نمانده!

دستی - آقا اجازه فرمائید خواهش میکنم وقتی که شما صحبت میکردید من هیچ صحبت نکردم تنها میکنم برای حفظ آبروی خودتان صحبت نکنید (پوررضا - این هم صحیح است) با آقای تهرانی هم قرار گذاشتیم که دو دوازدهم يك دوازدهم بشود که فعلاً کار ادارات دولتی راه بیفتد و مأمورین دولت حقوقشان داده شود و ما هم همینطور موافقت میکنیم و

و خودمان هم اعلام میکنیم که رأی که باین لایحه داده میشود مربوط بدولت نیست برای اینکه همه اکثریت و اقلیت اعتماد دارند که پس دوازدهم رأی داده شود و حقوق ادارات داده شود بنا بر این ما هم این را بتوان رأی به برنامه دولت تلقی نخواهیم کرد (صحیح است) روز پنجشنبه هم برنامه دولت را مطرح میکنیم و الان هم حاضریم که در مقابل تمام مردم هم تکرار کنیم که يك كلمه هم تخلف نکنیم و الا این معنی ندارد که خبر کمیسیون بودجه مطرح است شما بگوئید من طرح میدهم و باین لایحه رأی نیدهم، مانعی ندارد شما فقط حضورتان در مجلس لازم است، ممکن است رأی ندهید ما خودمان اکثریت داریم و رأی میدهیم و روز پنجشنبه هم برنامه دولت را مطرح میکنیم (صحیح است) دکتر مصدق - بنده طرح را پس میگیرم.



اعلامیه اقلیت

پنجشنبه چهارم مرداد بنا بود جلسه علنی مجلس تشکیل شود لکن اقلیت از حضور در جلسه بجهاتی که قبلاً مذکور شد خودداری نمود و برای اینکه عامه مردم از علت تصمیم آنست بعدم حضور در مجلس منتظر باشند در هفتم مرداد اعلامیه ذیل را صادر نمود - اینک عین اعلامیه: (۹)

هموطنان!

جهات و عللی که در موقع تشکیل دولت فعلی موجب شد نما بندگان اقلیت برای حفظ منافع کشور و مصالح عامه اقدام به «استر و کسیون» نمایند در بیانه ۲۳ خرداد با اطلاع عموم رسید! کنون نیز دلائل

حضور در جلسه ۲۶ تیر ماه که دولت معرفی شد و جریان بعد را با استحضار
عامه میرماییم:

پس از چهل روز استکفاف از حضور در جلسات مجلس شورای ملی
و شرکت در امور بنا بدو درخواست جناب آقای صدر مذاکراتی بین
ایشان و هیئت عامه اقلیت واقع شد که با نتیجه صورت جلسه زیر تنظیم
گردید.

هیئت عامه اقلیت مجلس ملی با حضور جناب آقای صدر موافقت
نمودند که در ۲۶ تیر ماه ۳۲ اقلیت از ابتر و کیون صرف نظر کند
و جلسه مجلس شورای ملی تشکیل شد. جناب آقای صدر پس از معرفی
دولت و رأی بر نامه چنانچه عدم مخالفتین و ممتنعین دولت به ۴۰ نفر بالغ
شد فی المجلس استعفای خود را بر من مجلس رسانده و به پیشگاه اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی تقدیم نمایند. در اثر قرار داد فوق و نتیجه مذاکرات
با سه نفر از زعمای اکثریت که سمت نمایندگی داشتند و کنار گیری آقای
صدر را پس از اخذ رأی اعتماد پذیرفتند نمایندگان اقلیت در جلسه ۲۶
تیر ماه شرکت نمودند و دولت معرفی شد در جلسه ۲۸ که بر نامه مطرح
گردید با اینکه نمایندگان اقلیت مطالب گفتمنی بسیار داشتند بر ای احترام
از اتلاف وقت و هرگونه سوء تفاهم و برای اینکه بدست اکثریت بهانه
ای ندهند تصمیم گرفتند که از بحث و مذاکرات در اطراف بر نامه
خود داری کنند ولی از بین نمایندگان اکثریت عدده زیادی بعنوان
موافق و مخالف اسم نویسی کرده و در جلسه شروع به مذاکره نمودند
در آن روز لایحه دو دراز دهم هزینه کنور بمجلس تقدیم و بکمسیون
بود چه ارجاع شد ۱۰ روز شنبه ۳۰ تیر ماه که بر طبق پیشنهاد نمایندگان
اقلیت قرار بود جلسه رسمی تشکیل و تکلیف دولت معلوم شود بواسطه غیبت
عدده زیادی از نمایندگان اکثریت جلسه تشکیل نشد و این غیبت که عمداً
بعمل آمد برای اولین دفعه در افراد اقلیت تولید سوء ظن کرد.

یک شنبه ۳۱ تیر قبل از حضور در جلسه با آقای قاطمی نماینده

اکثریت قرار نداده کفایت مذاکرات رای بگیرند و پس از آنکه بر نامه رای داده شد فقط يك در از دهم مطرح شود و نمایندگان اقلیت با این شرط در جلسه حاضر شدند و لی یکی از نمایندگان اکثریت پیشنهاد نمود که بر نامه از دستور خارج و در دو از دهم مطرح شود و چون اکثریت آن را تصویب نمود بتحقیق پیوست که رای دهندگان نخواهند قول نمایند که خود را معترم بشمارند لذا نمایندگان اقلیت از جلسه خارج و مجلس تعطیل شد ولی چون پرداخت حقوق کارمندان دولت و هزینه ضروری کشور مورد توجه نمایندگان اقلیت بود در جلسه دوم مرداد مجدداً شرکت نمودند تا از این راه نگرانی کارمندان دولت مرتفع شود. در چهارم مرداد که آقای صدر برای مذاکره در بر نامه بمجلس آمدند اقلیت بوسیله آقایان عامری و طهرانیچی نمایندگان خود از ایشان سؤال نمود که اگر در حفظ قول و وفای بهد حاضرند نمایندگان اقلیت در جلسه حاضر شوند و ایشان تکلیف دولت را هر چه زودتر تعیین نمایند معلوم شد که ایشان برای وفای بهد حاضر نیستند و قول خود را معترم نمیشمارند لذا بموجب این بیانه بموم هموطنان اعلام میشود.

نظر باینکه در این موقع خطیر و مهم عالم در مجلس شورای ملی باید محیط آرام و موافق حکمفرما باشد و از دولتی پشتیبانی شود که مورد احترام افکار عمومی و اعتماد کامل نمایندگان باشد تا بتواند بر مشکلات فائق آمده و مسائل حیاتی کشور را که در درجه اول خراج قسوی متفقین از میهن عزیز ماست با حسن کفایت و بیخبرسی انجام دهد و نظریات که آقای صدر و بعضی از اعضای دولت ایشان برای حل معضلات موجود صالح نیستند و اکثریت قابل ملاحظه که بتوانند با تکمیل آن خدمتی انجام دهند در مجلس ندارند لذا نمایندگان اقلیت مصمم شدند تا دام که رشته امور مملکت در دست دولت ایشان است از حضور در مجلس شورای ملی خودداری کنند و در امور کشور مطلقاً خود را مسئول ندانند.

از طرف نمایندگان اقلیت هیئت عامله:

امضاء کنندگان: رضا حکمت - غلامعلی فریور - محمد رضا طهرانیچی
اسکندری - رضا رفیع - انجمنی - دکتر محمد مصدق

تعمد نامہ اکثریت

عدہ از نمایندگان اکثریت نیز در تاریخ هفتم مرداد تعمد نامہ ای صادر نمودند که لزوم روزنامه اطلاعات شماره ۵۸۲۲ نقل میشود:

امضاء کنندگان ذیل نام ملکیت و برای خاتمه دادن باختلافات موجوده بین عدہ ای از همکاران معترم خود بر سر حکومت فعلی که اختلافات مزبوره بضرر کشور و بزیران عامه ملت ایران است دوراه حل در نظر گرفته و بشرح زیر تعمد می‌نمائیم:

- ۱- اگر هنگام اخذ رأی اعتماد عدہ اوراقی کی بود که از طرف مخالفین دولت داده خواهد شد بالغ بر چهل ورقه بود دولت باید بلافاصله استعفا بدهد و اگر از استعفا خودداری نمود امضاء کنندگان فعلی مخالف خواهند بود.
- ۲- چنانچه اوراقی موافق «سفید» بالغ بر هفتاد رأی باشد آقایان نمایندگان اقلیت که ذیل ورقه را امضاء می‌نمایند تعمد هستند در جلسات رسمی شرکت ننوده طبق مقررات و نظامات مجلس با یغای وظایف قانونی خود بپردازند.

محمد طباطبائی - دکتر معاون - عماد تربیتی - محمد علی منجد - روحی - هاشمی - رفیعی - خلعتبری - آریه - دکتر آفتابیان - مرآت اسفندیاری - دکتر مجتهدی - فیروز آبادی - فولادوند - رشتم کیو - بوشهری - شریعت زاده - پیرن اسفندیاری - مخبر فرہند



آقای محمد آخوند

آقای فروزی

از نمایندگان اقلیت

در باره قانون اساسی

این بیانیه با امضاء نمایندگان اقلیت ترسید و استروکیون شدت ادامه داشت و مجلس هم تشکیل نیگردید اقلیت و اکثریت گاهی در خارج جلای داشتند در همین اوان در جلسه خصوصی اکثریت آقای سید محمد طباطبائی نماینده سبزوار

ضمن مذاکرات خود از قول دکتر مصدق اظهار کرد که ایشان گفته اند « من قانون اساسی را زیر پا میگذارم » و باین ترتیب خواسته بود بدکتر مصدق حملاتی وارد نماید این مذاکره جلسه اکثریت در روزنامه اطلاعات که در تمام جریان با اکثریت کمک میکرد منعکس گردید و بهانه بدست بعضی از جرائد اکثریت داد که آنها هم حملاتی بدکتر مصدق بنمایند من جمله روزنامه « صدای ایران » که ناشر افکار طرقداران آقای سیدضیاء الدین طباطبائی بود در شماره ۷۷۲ مورخ هفتم مرداد تحت عنوان : « قانون اساسی زیر پای اقلیت - فتوای آقای دکتر مصدق » چنین نوشت :

آقای دکتر مصدق در طلی نطقی که در منزل آقای رفیع (قائم مقام الملك) نموده اند فرمودند : « من بازهم میگویم که قانون را برای مملکت میخواهیم اگر قانون خلاف مصلحت مملکت باشد آنرا زیر پا میگذاریم » نظر باین فتوی هر فردی حق دارد اگر قانونی را موافق سنجش خودش برخلاف مصلحت مملکت دید زیر پا بگذارد قطع از آقای دکتر مصدق سؤال میشود گذشته از اینکه قبول چنین اصلی غیر از هرج و مرج ما را بجائی نبرساند معیاس تشخیص مصلحت مملکت غیر از تشخیص صحیح یا غلط افراد روی چه اصل و قاعده باید باشد؟ از آقای دکتر حقوق، دکتر مصدق السلطه انتظار جواب داریم ...»

پس پاسخ این سؤال دکتر مصدق نامه ای در جراید منتشر نمود که از روزنامه

اطلاعات شماره ۵۸۳۴ بیست و سوم مرداد نقل میشود :

از اینکه گفته ام « قانون را برای مملکت میخواهیم » و اگر قانون خلاف مصلحت مملکت باشد از آن صرف نظر میکنیم » بعضی از روزنامه های طرفدار اکثریت میخواهند بجامعه اینطور بفهمانند که این جانب نظریات شخصی را مقدم بر نظریات اجتماعی میدارم و بعد از بیست سال مخالفت با دیکتاتوری تازه با دیکتاتوری موافق و همراهم !! - این است که لازم میدانم راجع به بیان خود توضیحاتی بدهم و از آنهایی که ممکن است باین حرفها اغفال شوند رفع سوء تفاهم بنمایم .

من از آقایانی که امروز دم از قانون و مخالفت با دیکتاتوری میزنند سؤال میکنم دلیل اینکه قانون را محترم بشمارند چیست ؟ در ترکیب چند جمله و تدوین چند ماده وطنی بعضی مراحل چه ترتیب است که افراد صالح مملکت احترام آن را فریضه خود و تغلف از آنرا برای خود تنگ و عار میدانند ؟ من تصور میکنم که از قانون غیر از اینکه برای جامعه مفید باشد انتظاری نیست ، قانون را محترم بشمارند برای اینکه « مفید » است و هر گاه تشخیص داده شد که بحال مملکت « مضر » است وظیفه وجدانی هر فرد است که تمام وسایل را برانگیزد تا اصلاح و یا نسخ شود و مقصود اینجانب این نبوده که هر کس قانون را مضر تشخیص داد از آن اطاعت نکند بلکه مقصود این بوده که هر وطن پرستی باید سعی کند چنین قانونی از طریق جلب عقاید و افکار مردم از بین برود - پس وقتی که قانون مفید نباشد یعنی حوائج را رفع ننماید و مقصود از قانون که عبارت از تنظیم روابط اجتماعی و تأمین سعادت ملت باشد

از آن مفهوم نگردد در این صورت هر فرد خیرخواه وطن پرستی که بیغرض و بی طمع باشد و بخواهد بخیر و صلاح جامعه در راه سیاست قدم بردارد ناچار است مردم را بواجب شوم و نا هنجار چنین قانونی متوجه سازد و سعی کند که هر چه زود تر آن مقررات مضر تبدیل به موازین و مقررات سودمندی شود و گمان نمیکنم کسی با این حقیقت مسلم مخالفت کند.

در روز قدیم ضرب المثلی معروف بوده است که میگوید: «نجات وطن عالی ترین و بزرگترین قانون است» و این کلام در اغلب شهرهای اروپا در کنیه ای به عمومی منقوز است و بمنزله شعار دموکراسی بشمار میرود فقط اشکال در این است که چه وقت اجرا و یا عدم اجرای قانون جامعه را منضرر میکند و چه اشخاصی صلاحیت دارند که ضرر را تشخیص دهند؟ بعقیده من اشخاصی بیغرض که نظرشان صرفاً در خیر و صلاح مملکت باشد میتواند این تشخیص را بدهند و هر گاه نسبت به تشخیص آنها از طرف مردم اعتراض نشد معلوم میشود جامعه با تشخیص آنها موافق است از اینهم که بگذریم لازم است عرض کنم چه وقت و چه چیز سبب شد که من این حرف را بزنم - چند روز قبل یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی بمنزل آمد و مرا با عجله و شتابی که برای رفتن بجلسه نمایندگان اقلیت داشتم بعرف کشید اول سؤال نمود چرا این جانب از مخالفت خود با طرح قانونی راجع باینکه نقاشون خارجی از ایران نرود در انتخابات مجلس تأخیر شود صرف نظر نمیکنم؟ جواب من همان بود که در مجلس گفته بودم و باز آنرا تکرار نمودم که تنها قشون خارجی در آزادی انتخابات مداخلت ندارد، بیست سال قشون خارجی نبود و انتخابات هم آزاد نبود اگر دولت همین است که شما آورده اید و قانون انتخابات بدون تجدید نظر اجرا شود وضعیت ما از اینهم بدتر میشود.

هیچ وطن پرستی نیست که با قیامت قشون بیگانه در مملکت رضایت دهد، رفتن قشون خارجی و آزادی انتخابات بهم مربوط نیست و هر کدام موضوع خاصی است. برای «آزادی انتخابات» اول باید دولت از عناصر صالحه تشکیل داد و بعد قانون انتخابات را تجدید نظر کرد بطوریکه حوزه انتخابیه شهرها از بلوکات جدا شود و در شهرها اشخاص باسواد رأی بدهند و انتخابات یکروز تمام شود و صندوق شب در انجمن نظارت نماید تا اینکه رأی دهندگان تهدید و تعطیع نشوند و با نهایت آزادی رأی خود را بنویسند و بنهند و انجمن نظارت هم آراء حقیقی را با آراء ساختگی عوض نکند - بعد اظهار نمود اگر قشون بیگانه رفت چه خواهیم کرد؟ گفتم اول در کرمان و بعد در گیلان شروع به انتخابات میکنیم اگر کسی دخالت نمود در سایر نقاط هم اقدام و الا اعتراض می نمایم.

و باز در حین حرکت سؤال نمود اگر اعتراض ما بجائی نرسید شما حاضرید که مدت دوره قلیبه را تمدید کنید؟ عرض کردم اگر مصالح مملکت تمدید را ایجاب نمود من حاضریم هر قانونی که برخلاف مصالح باشد بسوزانم زیرا بعقیده من قانون برای مملکت است نه مملکت برای قانون - از این حرف خنده بین ما در گرفت و سؤال کننده با رفیق خود از منزل من رفت و نزاکت را کنار گذاشت و بیاناتم را با تحریفاتی منتشر کرد.

اکنون که در باب قشون خارجی امید وار شده ایم و یقین داریم که در آتیه نزدیک کشور ما را ترک میکنند نگرانی ما از دولت غیر صالح و قانون انتخابات فعلی است که هر کس

میتواند با انتخابات يك فرماندار و یابخشدار موافق در دوره بعد وارد مجلس شده و نتیجه این بشود که اوضاع روز بروز بدتر شود !! ... من بیش از این عرضی نمیکنم .

عصیان و تمرد افسران در مشهد حوادث و وقایع شهرستانهای شمالی

باسترو کیون اقلیت کماکان مداومت داشت و جلسات علنی مجلس شورای ملی تشکیل نمیگردد^(۱) در همین اوقات یعنی در تاریخ ۲۴ مرداد ۳۲۴ عده از افسران پادگان خراسان متهداً با اسلحه و وسایل دولتی از مشهد حرکت و در بین راه یکی دو پادگان نظامی را خلع سلاح نموده بصفحات «ترکمن صحرا» وارد شدند این جریان که بواسطه رضایت مجلس و دولت پیداشده و عامل مهم آن تحریکات خارجی بود در جامعه ایجاد نگرانی نمود و مردم انتظار داشتند که مجلس راه حلی پیدا کند لذا یانجنفر از نمایندگان: آقایان تجدد - هاشمی - نبوی - دولت آبادی و دکتر معاون در جلسه اقلیت آن روز که در منزل دکتر مصدق تشکیل شده بود حضور بهم رسانیدند اصالتاً از طرف خود و کالتاً از طرف یازده نفر دیگر از نمایندگان عهد نمودند که نمایندگان اقلیت در جلسات مجلس شرکت کنند و قبل از برنامه دولت مطلب دیگری طرح نشود و متعهدین ببرنامج ورقه آبی بدهند^(۲) اقلیت بوعده خود وفا نمود و در جلسه چهارم شهریور بمجلس حاضر شد ولی اکثریت نخواست در برنامه بحث شود و آقای بدر وزیر دارائی لایحه $\frac{۴}{۱۳}$ مرداد و شهریور را تقدیم مجلس کرد و اعتراضات

(۱) در ۲۵ مرداد نمایندگان اقلیت نامه ای برباست مجلس نوشته و حاضر بودن خود را برای شرکت در جلسه رسی راجع باعلام خاتمه جنگ جهانسوز اعلام داشتند مشروط بر اینکه از اعضای دولت کسی در این جلسه شرکت نکند و متن نامه اقلیت بدین قرار است :

جناب آقای طاعباتی رئیس مجلس شورای ملی

در پاسخ نامه مورخه ۲۴ مرداد زحمت میدهید . نمایندگان اقلیت برای شرکت در جلسه رسی راجع به اعلام خاتمه جنگ جهانسوز که منتهی به پیروزی ملل متفق گردید با کمال مسرت حضور خواهند یافت مشروط بر اینکه از اعضای دولت کسی در جلسه حاضر نشود . نمایندگان اقلیت نظر بنحیسی که سابقاً نسبت بدولت آقای صدر اتخاذ نموده اند از حضور در جلسه معذور خواهند بود و چون حضور دولت در این جلسه ضرورت قطعی و قانونی ندارد امیدواریم که موجب محرومیت ما از شرکت در این جشن بزرگ نشوند .

از طرف نمایندگان اقلیت : غلامحلی فریور - رضا رفیع - دکتر محمد مصدق

(۲) از آقایانی که اصالتاً از طرف خود عهد کرده فقط دو نفر : آقایان تجدد و هاشمی و از آقایانی که کالتاً از طرف آنها عهد شده بود فقط آقای سلطانی ببرنامج دولت ورقه آبی دادند و علت باطنی این دعوت که بعد معلوم شد این بود که بوقوع صدور فرمان انتخابات چیزی نمانده بود و اکثریت میخواست که نمایندگان اقلیت در مجلس حاضر شوند و جلسات رسی مجلس تشکیل شود تا اینکه قانون تحریم انتخابات که بعد بشرح آن می بردازیم تصویب شود .

منطقی نمایندگان اقلیت (دکتر معظمی - تهرانیچی و مهندس فریور) که معتقد بودند تا برنامه دولت رأی اعتماد داد نشود نمیتواند لایحه به مجلس تقدیم نماید بجائی نرسید و نمایندگان اکثریت نمیتوانستند تکلیف دولت معلوم شود!!

در این اوان همان طوریکه احساس میشد وقایعی در شمال (شاهی - ساری - بابل - چالوس - گنبد قابوس - مراغه - گرگان) روی داد از جمله در اثر تحریرات حزب اراده ملی، قادی کلاهیها درشاهی ایجاد ناامنی نمودند و در ساری و سایر نقاط بر علیه حزب نوده اقداماتی شد و مامورین شوروی در بعضی نقاط در امور داخلی ما مداخله و از اعزام ژاندارم و استفاده از نیروهای نظامی جلوگیری مینمودند ولی اکثریت از دولت دست بردار نبود و جلسات مجلس که در ۱۵ و ۱۸ شهریور ۱۳۲۴ تشکیل گردید به بحث در اطراف لایحه $\frac{4}{13}$ بودجه گذشت!

دلایل ایترو کیون

بهر حال چون لازم بود که افکار عمومی از علت ایترو کیون مطلع گردند لذا در جلسه مشنبه بیستم شهریور دکتر مصدق نطقی نمود که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۱۶۸ صفحه ۵۶۱ نقل میشود:

رئیس - بنا بر این وارد نطق قبل از دستور میشویم آقای دکتر مصدق -

دکتر مصدق - آقایان مبداتند که مجلس شورای ملی چند مقدمه نطق

کاری مجلس شده باشد بنده در نظر داشتم از نظر اینکه يك عده از موکلین من تقاضا کردند که دلایل ایترو کیون در مجلس اظهار بشود و با اینکه اقلیت يك بیانیه ای انتشار داده بودند بکنده از آقایان اقلیت عقبه داشتند که دلایل ایترو کیون در مجلس گفته شود این است که بنده لازم دیدم با موافقت آقایان اقلیت دلایل ایترو کیون را عرض مجلس برسانم و از آقایان تقاضا میکنم که در موقع عرض بنده سکوت اختیار فرمایند چنانچه فرمایشاتی هم داشته باشند بعداً اجازه بگیرند و فرمایند (صعیح است) برای استحضار آقایان محترم عرض میکنم که بعد از قبول نمایندگی در این مجلس تصمم داشتم بحال انفراد بنامم وبدون دسته بندی و یا نهایت آزادی نظریات خود را بحرض همکاران محترم برسانم شاید بتوانیم بهمت صلحای مجلس کشور را بطرف اعساده اصول مشروطیت سوق بندیم پس از مدتی مطالعه باین حقیقت تلخ برخوردیم که عده زیادی از نمایندگان که در ادوار گذشته در مجلس بوده اند معتقد با اصول پارلمانی نیستند و اغلب دولتهایی که روی کار میآورند با تبنانی قبلی است و هر يك از آنها هم که بدون تبنانی آمده و یا آنهایی که با تبنانی آمده ولی در عمل با تمام مقاصد تبنایتان مؤثر در اکثریت موافقت نکرده بدون ذکر دلیل ساقط شده اند چنانچه در کایت های اخیر این مطلب بر همه معلوم شده و تبنانی قبلی با آقای صدر و اظهار تایل نسبت بایشان با آن عجله و شتاب کمورت عده

زیادی از نمایندگان را نسبت بآنها می که در این قبیل امور مؤثرند فراهم نمود لذا اینجانب معمم شدم که ازین همکاران محترم عناصری را که از این جریانات راضی نیستند دعوت کنم و با هم تشکیل صف دهم و با دولت صدور مخالفت کنیم و جلوریه نا مطلوب را بگیریم و آنرا تبدیل نمایم و چنانچه باتکاه عدد اکثریت با اعتراضات ما توجه نکنند آنرا با استعمال آخر الفواضی «ایستروکسیون» تهدید نمایم.

چون نظریات ما مورد توجه نشد ایستروکسیون شروع و تا ۲۵ تیرماه که آقای - صدر تمهد نمودند «اگر موقع رأی پیرنامه ۴۰ رأی مخالف داشته باشند فی المجلس استعفاء» نمایند» ادامه داشتند ۲۶ تیرماه برای اینکه دولت خود را معرفی کند در جلسه حاضر شدیم و روز ۲۸ که برنامه مطرح شد چون دولت ایشان بیش از ۴۰ مخالف داشت و از نظر تمهدی که کرده بودند رفتنی بود با برنامه مخالفت نمودیم که شور آن طول نکشد و هر چه زود تر تکلیف سلطنت معلوم شود.



روز ۲ مرداد که میخواستیم کفایت مذاکرات را نسبت بشور دو برنامه پیشنهاد کنیم بوسیله آقابان هامری و طهرانچی با ایشان مذاکره شدیم معلوم شد که برای وفای بهمدی که با حضور هفت نواز نمایندگان اقلیت و آقای دکتر معظمی نماینده رئیس و واسطه ایشان نموده اند حاضر نیشوند لذا مجدداً ایستروکسیون شروع شد و نمایندگان اقلیت چنین تمهید گرفتند که حتی در معصومه مجلس هم حاضر نشوند تا اینکه بدعوت عده ای از نمایندگان غیر خواه که بیاقول همکاری داده اند بمجلس آمدیم و در جلسات اخیر حاضر شدیم و اکنون دلائل ایستروکسیون را بر عرض میرسانم و حضرات آنرا با تفکار همومی معقول میسایم.

ایستروکسیون دارای دو جنبه است: جنبه داخلی و جنبه خارجی.

جنبه داخلی

همه میگویند وضعیت ما بسیار بد است و اگر بد بنحوال بگذرد امید هر اصلاحی بیاس مبدل میشود نمایندگان مؤثر در اکثریت سعی میکنند دولتهائی موافق خود - بیاورند و دولت های متجانس با آن نمایندگان هم سعی میکنند که آنها را همیشه وارد مجلس کنند.

دسته بندیهای سیاسی مجال نمیدهد که مردان درست وارد کار شوند و زراء نا درست برای انجام نظریات خود اشخاص درست را برکنار و اشخاص بد را مصدر کار میکنند .

فساد اخلاق بجائی رسیده که هر کس دنبال درستکاری برود یا متضرر میشود و یا اینکه جانش در خطر است پس نتیجه این است که وضعیت ناهنجار ما هیچوقت تغییر نکند و ملت ایران هیچوقت روی سعادت و خوشی نیندازد!...

برای اینکه باین اوضاع خاتمه داده شود و دولتی روی کار بیاید که آلت و مطیع صرف نبوده و صاحب عقیده و ایمان باشد عده ای از نمایندگان بنام اقلیت برای هرگونه فداکاری حاضر شدند و کسی نمیتواند در حسن نیت آنها تردید کند زیرا از انتقاد و روش منفی کسی استفاده نمی کند و طرفی نمی بندد و راه استفاده فقط در روش مثبت و سازش با دولت است .



آقای ایکچیان

آقای حسن اکبر

از نمایندگان اقلیت

از عدم حضور در جلسات مقصود این بود که دولت صدر برود و در این آخر دوره دولتی روی کار بیاید که پیروی از سیاست «موازنه منفی» کند ، یعنی هیچ سیاستی متعادل نباشد و یگانه هدف آن مصالح مملکت و دولتی باشد که مورد اعتماد جامعه ایرانی بوده و مورد سوء ظن هیچیک از دول بزرگ مجاور نباشد ، دولتی باشد بیغرض که روی نظریات شخصی و بتقاضای نمایندگان مؤثر در اکثریت مأمورین را تغییر ندهند و مأمورینی که انتخاب میکنند شایسته این باشند که در جنوب و شمال مملکت بتوانند انجام وظیفه کنند و مصالح ملت را تأمین نمایند .

از هر شخص بیطرفی امر سوال کنند آقای صدر که در دوره دیکتاتوری «کالمیت فی یدی الفسال» بوده و اکنون هم که دوره آزادیست باز ایشان گرفتارند میتوانند این نظریات را تأمین کنند ؟ جواب خواهد داد: «نیتوانند و آنجا که عیان است چه حاجت بیان است .»

اکثریت میگفت که نمایندگان اقلیت مطابق معمول همه جا در جلسه حاضر شوند و پس از انتقاد و بیان عقیده مطیع تساوت و اکثریت حقوق باشند .

پانزده ماه بدین ترتیب گذشت و تجربه نشان داد که انتظار و تذکر اقلیت در ترک رویه مجلس که متأسفانه موجب فرونی بدبختی شده کوچکترین اثری ندارد و هر کجا چنین مجلسی باشد آنرا منحل میکنند بنا براین اتخاذ این تصمیم برای این بود که شاید اکثریت متوجه بعواقب رفتار خود بشود و تریبی پیش آید که وضعیت بهتر و از وخامت اوضاع کاسته شود! معلوم نیست که اکثریت برای این دولت که سوابق بعضی از اعضاء آن معلوم است و مورد اعتماد جامعه نیست چه محسناتی قائل شده که در ابقاء آن تا این درجه لجاج مینماید!! مگر اینکه بگوئیم جهانی هست که باید از جامعه مستور بماند و با اینکه چون هیچ دولتی بقدر این دولت گوش شنوا! ندارد آنرا تا هر وقت که ممکن شود باید نگاهداشت مثل اینکه در دستگاه دولتی هیچوقت بقدر ایام اخیر تغییرات داده نشده و تغییرات مزبور صرفاً در منافع بعضی از وزراء و بعضی از نمایندگان اکثریت بوده است.



آقای امیر نصرتی اسکندری



آقای سردار لاهر حکمت

از نمایندگان اقلیت

و باز معلوم نیست که اکثریت چگونه مسئولیت طرفداری از دولتی را بعهده میگیرد که در خفه کردن آزادی و بستن جرایم در این دوسه ماه گوی سبقت را از اسلاف خود برده!... و همچنین مسئولیت يك دوازدهم مرداد را که اعضاء کرده و دولت هم بدون تصویب مجلس و برخلاف قانون اساسی آنرا پرداخته است! از هر شخص بیطرفی اگر سؤال کند آیا مصلحت سلطت در این بود که دولت صدر بماند یا اینکه از آن صرف نظر کنند و استرضای اقلیت را برای حضور در مجلس و تصویب حقوق مرداد بعمل آورند تا اینکه قانون اساسی تقص نشود و دولتی که مورد اطمینان جامعه باشد بروی کار بیاید؟ بدیهی است که عقیده خود را بر رفتن دولت صدراظهار میکنند.

جنبه خارجی

سیاست همسایگان جنوب و شمال ما تا کنون در این سلطت به طریق مؤثر گردیده است:

۱) - سیاست دو طرفی هندی - طریقه ایست که قبل از شروطیت متجاوز از یک قرن بآن عمل شده و آن این است که زمامداران وقت هیچوقت برخلاف مصالح مملکت برای دول نامبرده حقی قابل نشده و هر وقت که یکی از آنها خواسته است تحصیل حقی کند چون زمامداران باصولی معتقد بودند و نمی توانستند بآنها پشت پا بزنند از رقابت بین همسایگان استفاده نموده و از قبول هر گونه تقاضا خودداری کرده اند. اصول مزبور در علاقتندی شاه مملکت و وفاداری رجال ب شخصی پادشاه بوده است .

طریقه مزبور با شدت وضعی نسبت بهر یک از دو سیاست ادامه داشت باین طریق که بواسطه پیش آمد و وقایع گاه سیاست همسایه شمالی و گاه سیاست همسایه جنوبی بر یکدیگر غلبه میکرد تا اینکه طرفین از نظر سیاست بین المللی صلاح خود را در این دیدند که بواسطه قرارداد ۱۹۰۷ میلادی اتفاق حاصل کنند و نتیجه این شد که در ایران برای خود منطقه نفوذ تعیین نمایند که دولت و ملت ایران همیشه بآن معرض بوده است .

۲) - سیاست دو طرفی هندی - بواسطه قرارداد ۱۹۰۷ رقابت همسایگان از بین رفت و هر وقت آنها تقاضائی داشتند اول بین خود توافق حاصل نمیدادند و بعد آنرا بدولت پیشنهاد میکردند بطوری که دولت راه فرار نداشت و خود را مجبور می دید که یا هر گونه تقاضائی موافقت کند و این همان طریقه ایست که پس از ۴۰ ساله مستر آیدن وزیر خارجه سابق انگلیس نسبت بآن اظهار تنفرد در نطق خود که سیم شهر یورماه در جراید مرکزی منتشر شد ، چنین اظهار نموده اند :



مستر آیدن

01201010101010

« ما در ایران فقط یک علاقه داریم و آن این است که کشور مزبور را سعادتمند و متحد و قوی به یثیم و چیزی که اصلاً ما در این کشور نمیخواهیم بازگشت اصل ایجاد مناطق نفوذ و مسائلی از آن قبیل است که تا مدت مدیدی پیش از این در ایران وجود داشته و برای یک نسل باعث عدم محبوبیت کامل ما در میان ایرانیان گردیده است »

جمله « ایجاد مناطق نفوذ و مسائلی از آن قبیل » که در نطق فوق دیده میشود میسراند که در نظر سیاستمدار نامی انگلیس این بود که از قرارداد ۱۹۰۷ تصریحاً و از دوره دیکتاتوری یعنی دوره ای که جان و مال و مذهب و آزادی مردم دستغوش بکنفر شده بود تلویحاً اظهار عدم رضایت کنند .

اکنون با اظهار امتنان از این اعتراف ، از بیان ایشان انتظار نداشته می کنیم و امیدواریم آینده مواعید ایشان را تأیید کند ،

اما ملت ایران همیشه منافع خود را تشخیص داده و از بدو انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ و قرارداد ۱۹۱۹ اعتراضات خود را بسمع عالیان رسانیده است ولی چون دو دولت مجاور و قوی هر وقت صلاح خود را دیده با اعتراض ملت ایران توجه نموده اند ملت ضعیف ایران هم در مقابل اقویا جزا نترجار باطنی چاره ای نداشته و منتظر بوده است که حوادث بین المللی گریبان آنرا از بعضی سیاستهای غیر عادلانه خلاص کند .

۴- سیاست یکطرفه همسایه جنوبی - دولت تزاری روسیه بواسطه انقلاب ازین رفت و دولت انگلیس درصدد برآمد که تا وضعیت آن دولت معلوم نشده سیاست خود را در ایران روشن کند برای اینکار تهیه مقدماتی لازم بود .

اول- اینکه مطبوعات توقیف شوند- شرح قضیه این است که روزنامه «رعد» بریس دولت وقت مرحوم مستوفی السالك اهانت نمود بجای اینکه همین روزنامه توقیف شود مصلحت خیراندیش پیشنهاد نمودند که یطرفی و شخصیت آقا چنین ايجاب میکند که تمام جرایم توقیف شوند و چون آن مرحوم مورد اعتماد جامعه بود و مردم هم از بعضی روزنامهها بواسطه نداشتن عفت قلم خوشوقت نبودند با تصیم دولت خیلی مخالف نشد .

دویم - اینکه شهر نظامی شود صبح روزیکه پنجشنبه بود مرحوم «مستوفی السالك» مرا خواست و از وضعیات و مشکلاتی که داشت مذاکره فرمود نتیجه این شد که عصر آنروز بقصر سلطنتی فرح آباد بروند و استغفای خود را بشاه تقدیم کنند چون روزنامهها توقیف و روز جمعه هم ادارات تعطیل بود کمتر کسی از استغفای ایشان مطلع شد و صبح روز شنبه که عده زیادی از علماء و رجال برای توهین بآن مرحوم بسمارت کالاری محل هیئت وزراء آمدند همینکه دیدند دولت در کار نیست از عمل خود پشیمان شدند و چون سال تعطیلی بود غائله بحواله ۶۰ من نان در روز بکار کنان مطبوعه روشنائی مرتفع شد و روز بعد مرحوم مصباح السلطنه دولت را تشکیل داد و معتقد بود که تا مجلس شورای ملی تشکیل نشود هر دولتی بیاید رسمیت ندارد و دولت ایشان تا افتتاح مجلس شورای ملی باید بماند .

دولت مزبور هم که اغفال شده بود شهر را نظامی کرد تا از طرف مطبوعات و اجتماعات هر دو راحت شود ولی چیزی نگذشت که دولت و ثوق الدوله تشکیل شد و از توقیف مطبوعات و حکومت نظامی استفاده نمود و قرارداد انگلیس و ایران را منقذ کرد .

چندی بعد از تشکیل دولت و ثوق الدوله که شهرت داشت انگلیس میخواهد سیاست خود را با دولت ایران روشن کند مرحوم مصباح السلطنه بمنزل من آمدند و گفتند عجب ... و عجب غلطی کرده ایم که روزنامهها را توقیف و شهر را نظامی نموده ایم . شهر در حکم قبرستانی شده و از هیچ کجا صدا در نمی آید ! گفتم صبیح فرمودید خندیدند و گفتند آمد صد تومان از شما بگیریم و با پولی که جمع آوری کرده ایم در مسجد شیخ عبدالعزیز روضه بخوانیم؛ روضه شروع شد و روز هفتم که واعظ از بدی اوضاع سیاست خلاف مصالح دولت صحبت میکرد آن دولت هم روی مصالح مملکت چادر مسجد را بر مردم خراب و ۱۷ نفر را بقریب تبعید کرد !!

مخالفت ملت ایران با قرارداد و بیانیه دولت امریکا بر مساعدت ملت ایران و همچنین بیانیه و مراسله مورخ ۱۴ یا نوامبر ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ دولت اتحاد جماهیر شوروی که منجر بقرارداد ایران و شوروی گردید و مردم ایران را فریفته سیاست خود نمود سبب شدند که دولت انگلیس بواسطه کودتا و تأسیس دولت دیکتاتوری از اجراء قرارداد صرف نظر کند و خود را از آن مستثنی نماید .

چون در سیاست یکطرفه دولت انگلیس رقیب نداشت و دیکتاتور هم ب مردم افکار عامه اهمیت نمی گذاشت و برای توسعه قدرت خود بساط ملوک الطوائفی و تشریفات منهبی را از ریش و عمایه و روضه و هر چه از این قبیل که بانجام مأموریت آوسکنه وارد مینمود ازین برداشت و تمام نواهی مملکت را در شخص خود تمرکز داد !!

آزادی مطبوعات و اجتماعات و حقوق مالکیت و سایر حقوق بشری را مردم میتوانند در قانون اساسی بخواهند ولی اگر دولت نپذیرد نمیتوانستند از آنها استفاده ببرند و با استفاده ناپند!

سیاست یکطرفی بقدری مهم بود که حتی در مکه هاجم بی اثر نبود! چقدر فرق است بین آن دوره که از جنازه مرحوم حاج آقا بزرگ پیش نماز مسجد جامع اعلی الله مقامه که زهد و خوایش مورد قبول خاص و عام بود و بر حمت ایزدی بیوست کسی نتوانست تجلیل کند و مجلس تذکری که در خور مقام روحانیت آن مرحوم بود بر پا نماید و این دوره که مردم در این قبیل امور لاقول آزادند!..

روزی مرحوم مدرس بوکلای هواخواه رئیس دولت وقت (سردار سپه) میگفت: «دعا بجان من کنید که تا هشتم احترام شما محفوظ است» و بعد معلوم شد که حق با آن مرحوم بوده زیرا از دوره هفتم که مدرس و سایر مخالفین دولت از مجلس خارج شدند نمایندگان مجلس از احترامیکه مستلزم مقام نمایندگی است برخوردار نشدند.

تا وقتی که ما بین دو سیاست زندگی میکنیم ممکن است از مقررات قانون اساسی استفاده نماییم ولی اگر سیاست منحصر بفرد شد آنوقت است که بازریش ها را بتراشند و عمامه ها را بردارند مطبوعات را توقیف کنند و مردم را زندانی و تبعید و آزادی را از همه سلب نمایند و هر دولتی که در این ملک صاحب سیاست باشد بر همه چیز ماسلط شود. ملت ایران بیاس خدماتی که برای پیشرفت متعین خود نموده است از آنها درخواست میکند که استقلال و آزادی آنرا که وثیقه صلح بین المللی است معترم بشمارند و از هر عملی که ممکن است بظرف ایران لطمه ای وارد کند خودداری و بدینوسیله موجبات محبوبیت خود را در قلوب آنان فراهم نمایند. (صحیح است)

هووطنان عزیز! مخالفین امروزی من که مدافعین دیروزی من هسته بر علیه من هر تبلیغاتی میکنند، بکنند من را بهر دست ای منتسب می نمایند، بنمایند و سیاست ابستروکیون من و ورقهای مرا هر گونه تیر میکنند، بکنند مختارند!

من در گذشته بقدر کنایت امتحان از خود گذشتگی داده ام و یقیناً در آخر عمر دنبال مقاصدی نیروم که بکمر از آن اجتناب کرده ام.

اگر من اینگونه هوس ها را در دماغ خود می پروراندم و اهل این بندهست ها بودم مقاماتی که در همین مجلس بمن تکلیف شد رد نیکردم و من بیبانه صلاح مملکت بقای خود یا فشاری می نمودم و از هر نیک و بد و زشت و زیبا احتراز نمی کردم، کسی که پشت یا به مقام و جاه و جلال بزند، کسی که هر گونه درخواستهای خصوصی از وزراء و عمال دولت را بر سر خود تحریم کند می تواند حرف حق خود را بدون پروا بزند و پشت آن بایستد!

من مأموریت موکلین خود را قبول نکردم و باین مجلس با ننگناشتم مگر برای یک مبارزه مقدس و آن برای نیل بیک مقصود عالی است.

در سیاست داخلی برقراری اصول مشروطیت و آزادی و در سیاست خارجی تعقیب از سیاست موازنه منفی - این هدف من بوده و هست و خواهد بود و تابخواهم برای رسیدن بآن مجاهدت خواهم کرد.

من که برای انجام وظیفه ناگشته شدن حاضر شده ام از نیت و ناسزا و توهین بساکی ندارم مگر اینکه گوینده با دلیل حرف بزند و یا آنچه می گویند

جامعه قبول کند .

ما حرف حق را میزنیم؛ اگر صدای مابک روز برای این، گوش نواز و برای آن، گوش خراش است و روز دیگر بالعکس ما نباید خاموش شویم .

از نظر ما اجنبی اجنبی است شمال و جنوب فرق نمیکند (صحیح است) و موازنه بین آنها یگانه نجات ما است و در سایه این سیاست ما میتوانیم تمام نعمت های معنوی و مادی را که مانند يك ملت مستقل حق داریم تحصیل نمائیم و فقط با این سیاست ما می توانیم از آزادی ها بمعنای حقیقی در تمام شئون بهره مند شویم و بر مال و نفس خود مسلط باشیم (صحیح است) . واضح تر بگویم ما باید خود را بآن درجه استقلال واقعی برسانیم که هیچ چیز جز مصلحت ایران و حفظ قومیت و دین و تمدن خودمان محرک ما نباشد (صحیح است) .

از مسلمانی و آداب آن برای برحق بودن اسلام نه برای میل این و آن پیروی کنیم (صحیح است) و بلاوازم آن فقط از ترس خدا و معاد - نه مقتضیات دنیوی و سیاسی عمل نمائیم (صحیح است) .

باد شمال یا جنوب ما را نلرزاند و در درجه ایمان ما تأثیری ننماید (صحیح است) و بطور مصنوعی يك روز آتش آنرا شعله ور و روز دیگر بکلی خاموش نکند (صحیح است - احسن) .

من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر چه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه می نمایم .

من طرفدار احیاء اصول مشروطیتم و با هر دولت یا اکثریتی که بخواهد اساس آن را که آزادی انتخابات است متزلزل نماید مخالفت میکنم .

تأسیس اقلیت ۳۶ نفری که بدعوت این جانب تشکیل شد از نظر مخالفت با دولت صدر است که برخلاف رویه و روی تباری وارد کار شده و رفتاری من برای مبارزه با آن صف اقلیت را تشکیل دادند که استقامت و وفا داری آنها شایان بسی تقدیر است - چنانچه اشخاص دیگری از نمایندگان هم روی این اصل با ما همصدا شده اند ما نمیتوانیم دربند آن باشیم که افکار دیگری هم دارند یا ندارند مضافاً اینکه رویه امری نیست که دسته ای آنرا انحصار خود کند و دستجات و افراد دیگر از نمایندگان مجلس نتوانند آن رویه را برای مشی سیاسی خود قبول کنند. این است توضیح «ایستروکسیون» ما و منرضین هر چه می خواهند بفرمایند !! ...

ما دست باین عمل زدیم برای اینکه از آنچه متأسفانه واقع شده جلوگیری کنیم و در عین حال اکنون نمیتوانیم از بیان تأثر و انزجار نسبت به پیش آمد های اخیر و مداخلاتی که برخلاف عهود و شئون داخلی ما شده است خودداری کنیم (صحیح است)

چگونه ممکن است خون ایرانی در عروق کسی جاری باشد و مداخله اجنبی را در امور کشور تحمل کند (صحیح است) هر کس که بقاء نیروی اجنبی در خاک کشور علاقه داشته باشد و همچنین هر کسی که همسایگان را تحریک کند مهدور الدم است (صحیح است صحیح است) .

منتها تشخیس ما این است که برای رفع بهانه هایی که موجب مداخله اجانب میشود و خاتمه دادن باوضاع زمان جنگ و اعمال حاکمیت مطلق ملت ایران در تمام قلمرو کشور باید سعی در روی کار آوردن يك حکومت بشام مناد ملی کنیم و در این موقع خطیر دنیا نوبت هارا

کنار گذاشته همه پشتیبان چنین حکومتی بشویم تا بتوانیم کشتی خود را بساحل نجات برسانیم (عده‌ای از نمایندگان صحیح است، اجنت).

وقایع ناصوار آذربایجان

هر قدر از حکومت صدر میگذشت حدوث وقایع نامطلوب در نقاط مختلف کشور بیشتر میشد بعد از وقایع خراسان و قسمتهای شمالی در اواسط شهر بسور در آذربایجان وقایع تازه‌ای رخ داد: در لیقوان یک نفر از ملاکین مهم بنام حاجی احتشام بدست رعایای خود که عضو حزب توده بودند کشته شد و همچنین عده‌ای از زندانیان از مجلس تبریز میخواستند فرار کنند که اسلحه نظامیان آنها را از این تصمیم منحرف کرد. در تهران کلوب حزب توده و شورای مرکزی کارگران از طرف مامورین ژاندارمری و حکومت نظامی اشغال و از فعالیت حزبی آنان به شدت جلوگیری شد همچنین دکتر کشاورز نماینده بندر پهلوی که از اعضای فعال حزب توده بود در خیابان فردوسی مقابل محل حزب توده ضرب و بسوم نمود گردید هر قدر از حکومت صدر میگذشت و با آخر دوره چهارده نزدیک میشد جنگه بین هواخواهان سیاست شمال و جنوب رو به شدت میگذاشت و اکثریت مجلس چون بموقفیت خود در انتخابات مجلس یازده کاملاً اطمینان نداشت از دولت صدر پشتیبانی میکرد و جلسات مجلس شورای ملی هم باینکه مرتباً تشکیل میگردد بی نتیجه بود زیرا لوایح تقدیمی وزراء بواسطه اینکه هنوز تکلیف دولت معین نشده بود تصویب نمیکردید و بدین ترتیب اوقات گرانبهای کشور تلف میشد!!!

بیانات آقای صدر

و

پاسخ دکتر مصدق

در جلسه ۲۸ شهریور قبل از دستور دکتر مصدق اجازه تطق خواسته بود ولی بواسطه نبودن حد نصاب در جلسه موفق نشد تا اینکه در جلسه چهارم مهر آقای صدر نخست وزیر بیاناتی نمود و دکتر جوابی بایشان داد که از هنا کرات مجلس شماره ۱۸۶ صفحه ۵۶۳ نقل میشود:

آقای (صدر نخست وزیر) چون منتفی نی دانتم که وقت برقیست مجلس را بیانات منصل مصروف دارم و بیش از حد ضرورت مصدق شوم بطور اختصار عرض میکنم.

از مدتی قبل که دولت به مجلس معرفی شد هر روز انتظار داشتم که زود تر رأی پیر نامه دولت گرفته شود و تکلیف دولت معلوم گردد و هر چند معتقد بودم که دولت اکثریت رأی موافق دارد ولی اصولاً لازم بوده است که با گرفتن رأی عده آراء موافق و مخالف صریحاً معلوم و دولت از تزلزل خارج و یا از کار برکنار شود چه آنکه با تزلزل و عدم ثبات اقدام بکارها مشکل و موانع زیاد تر خواهد بود متأسفانه بواسطه اوضاعیکه مشهود نظر آقایان است این امر ضروری و فوری مدتی است دچار تهریق گردیده و گذشته از این که اصل پیر نامه هنوز بتصویب مجلس نرسیده مقدمات اجرای مواد آن که عبارت از تصویب لوایح مربوطه است نیز تهیه نشده و این است که تنی دارم آقایان موافقت فرمایند رأی اعتماد گرفته شود خصوصاً که کارهای فوری و فوئی در پیش است و بی تکلیفی دولت ممکن است موجب ضرر های جبران ناپذیر شود.

و هر چند مقتضی بود راجع بجهات مخالفت آقای دکتر مصدق که در بیانیه سابق خودشان و اظهاراتی که چند روز قبل در مجلس ایراد فرمودند جواب مقتضی عرض کنم ولی باز ترجیح میدهم که از تفصیل صرف نظر کرده باختصار اکتفا نمایم.

بیانات ایشان قسمتی راجع بشخص بنده بود که سوابق مرا خوب ندانسته البته نظرایشان معطوف بسوابق اینجانب در خدمات رسمی و دولتی بوده که مربوط بامور شخصی چه هر کس دارای شخصیت مخصوص بخود است و کسی حق مداخله در آن ندارد:

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش که گناه دیگری بر تو نخواهند نوشت اما در خدمات رسمی من در مدتی قریب بیچهل سال در مراحل مختلفه قضائیه و مجریه و مقننه اگر چه شایسته نیست که از خود تعریف و تسجید کنم و «ترکیه المرء لنفسه قبیحه» ولی این اندازه را ناچارم در مقام مدافعه عرض کنم که تصدی اینجانب در این مدت بخدماتی بوده که ارتباط بعامة مردم داشته و در این شهر بوده است و تصور نمیکنم که هیچوقت افکار عمومی مرا قاصر با مقصر در انجام خدمت دانسته باشد مگر آنکه در این چند ماهه زمامداری تهمت های ناروا بر من زده شد که گویا این تیره های تهمت در این مدت مدید در ترکش مخالفین نبوده و حالاً که عهده دار خدمتگذاری مهم در این موقع مشکل شده ام تهیه و بطرف من پرتاب گردید.

کاش يك محكمه ملی و يك هیئت منصفه تشکیل بود و بموافق کلیه کارکنان کشور رسیدگی میکرد تا حقیقت حال هر کس مکشوف میشد.

من خدای تعالی را شاهد میگیرم که همیشه از روی عقیدت طرفدار حق و عدالت بوده و پیوسته سعی کرده ام که در خدمتگذاری صادق و عادل باشم و بدین جهت هیچ توذی مرا از راه راست منحرف نکرده و چون در زندگی مادی هم قانع و برهیز کار بوده ام هیچوقت حب مال مرا بزحمت نینداخته و جمعیت خاطر مرا بریشان نساخته است من بسیار تعجب میکنم از اینکه آقای دکتر مصدق گفتند بنده در دوره حکومت سابق «کالمیت بین یدی الفصال» بوده ام و خیال میکنم چون از اوضاع آن زمان بکلی دور بوده اند نشنیده اند که سبب کناره گیری و عبارته آخری عزل من از وزارت دادگستری چه بود و حقین دارم اغلب بلکه همه میدانند که در آن دوره من یگانه کسی بودم که برای حفظ عدالت و قانون و اصول مشروطیت و استقلال قضات با فشاری و ایستادگی نمودم و دانسته خود را با آتش انداختم نهایت خداوند پاداش راستی مرا معافقت کرد تا اینجا که خدمت شما ایستادمو کمر خدمت بسته و با این گذشته روشن خود افتخار میکنم و اما راجع بسیاست خارجی دولت آقای-

دکتر مصدق کلیاتی فرمودند که همه بجای خود صحیح است و همه تصدیق دارند ولی خوب بود بفرمایند کدام عمل این دولت مخالف آن رویه و حفظ موازنه بوده بنده با کمال قدرت ادعا میکنم که در دوره زمامداری اینجانب هیچ عملی که مخالف با رویه بی طرفی منفی باشد نشده است و اگر اشخاصی بخواهند باره ای عملیات دولت را که حفظ امنیت و رفع تشویش خاطر عامه و مقتضیات وقت ایجاد کرده است بحساب مناسبات خارجی دولت بگذارند دور از انصاف و منطقی است و هر چند بجهتی اقتضا داشت در این موضوع که بطور اشاره بیان کردم بطور واضح و مفصل و دلایل مقتضی صحبت می شد ولی نظر بجهت دیگر امروز مقتضی نبود و در صورتیکه دولت بر سر کار بماند در موقع خود حقایق را بتفصیل عرض خواهم کرد و عجلانگینانندارم اجازه فرمایند امروز برای پیر نامه دولت گرفته شود خصوصاً که بودجه دو دوازدهم مطرح است و باید زودتر حقوق مستخدمین پرداخت شود.

دکتر مصدق - بنده مطابق ماده ۱۰۹ اختصار نظامنامه دارم.
رئیس - بفرمائید.

دکتر مصدق - بنده قبل از دستور يك عرایضی دارم که مورد علاقه عموم است (همیشه نمایندگان) عرض میکنم بنده قبل از دستور عرایضی دارم که خیلی لازم است و با حال کسالت پنج جلسه است که میآیم عرایض خودم را بکنم اجازه نمیدهند بنده گمان نمیکنم که آقایان نمایندگان نسبت بمصالح مملکت اینقدر بی علاقه باشند که نگذارند باندازه پنج دقیقه صحبت کنم (جمعی از نمایندگان بفرمایند آقا) این یکی و یکی دیگر هم بنده يك پیشنهادی دارم راجع بيك دوازدهم شهر بور و بعد هم مطالبی دارم که طبق ماده ۱۰۹ باید عرض کنم چون گوش بنده خیلی سنگین است و فرمایشات آقای صدر را ملت نشدم همینقدر - شنیدم که مسئله «کالیته بین بدی الفسال» را فرمودند بنده میخواهم توضیح بدهم که ایشان بطور کالیته بین بدی الفسال بودند (همیشه نمایندگان صدای زنك رئیس).

من بموجب ماده ۱۰۹ حق دارم توضیح بدهم چون ایشان عرایض مرا برخلاف جلوه دادند.

فاطمی - آقایان نمی ندارد فرمایشاتان را بفرمائید.

دکتر مصدق - بنده بموجب ماده ۱۰۹ باید صحبت کنم.

رئیس - بفرمائید راجع بماده ۱۰۹ صحبت کنید.

دکتر مصدق - حالا هر کدام را اجازه میفرمائید یعنی نطق قبل از دستور را بکنم که راجع بمصالح مملکت است پنج دقیقه هم بیشتر طول نمی کشد با راجع بيك - دوازدهم (همیشه نمایندگان - صدای زنك رئیس) با طبق ماده ۱۰۹ عرایضم را بکنم هر کدام را میفرمائید.

رئیس - ماده ۱۰۹ را مقدم بدارید.

دکتر مصدق - اولاً این عرایضی که من میکنم حمل بر ارتجاع نکنند بنده شخصی هستم که در مدت عمر خودم با آزادی خواهی معروفم (صحیح است) و هر صدمه هم کشیده ام روی عقیده خودم بوده است من يك آدمی بودم که در دوره رضا شاه معتقد بودم که شئون ملی ما باید بدست ملت ایران باشد نه بدست یکنفر و یکنفر آدم نمیتواند در مسائل اجتماعی و در مسائل دیگر مملکت بطور اجبار مردم را مجبور بکنند در موضعی که کلاه پهلوی قرار بود سر گذاشته شود با اینکه من سالها در اروپا شاپو سرمیگذاشتم وقتی که بنا شد کلاه پهلوی سر بگذارند من هشت ماه در منزل ناخوش شده و از منزل بیرون نیامدم بعد يك

قانون وضع شد اگرچه قانون هم صورت ظاهری بود آنوقت بنده کلاه پهلوی گذاشتم و بیرون آمدم حالا البته خانم ها بیفته اعتراض نکنند زیرا قبل از اینکه بانوان محترم کشف حجاب کنند من در اروپا با خانواده خودم کشف حجاب کردم و هیچکس با کشف حجاب مخالف نبود ولی من مخالف بودم چون معتقد بودم که کشف حجاب باید بواسطه اولسیون و بواسطه تکامل اهل مملکت باشد نه بواسطه يك کسی که يك قدرتی پیدا کرده و يك زوری پیدا کرده که من اینجور میخوام و باید اینجور بشود من این را معتقد نیستم بهیچوجه و مخالف هم بودم. روزی یکی از اعضای دیوان کشور منزل من آمد و گفت: «این دیگر نمیشود» گفتم چطور نمیشود؟ گفت: «اینکه رضا شاه میخواهد کشف حجاب بکنند این دیگر نمیشود و من خودم را خواهم کشت» گفتم چطور؟ گفت: «همه چیز را تحمل کردیم برخلاف حقوق مالکیت اقدام کردند تحمل کردیم برخلاف آزادی مطبوعات، برخلاف اجتماعات، بالاخره مرجه کردند تحمل کردیم این یکی دیگر قابل تحمل نیست و اگر بشود من خودم را میکشم» و رفت بعد دعوت شد که بیاید با خانم هادروزارتخانه ها و همه آن وقایع که آقایان مستحضرنند بعد یکوقت دعوت کردند در زمان رضاشاه که بیاید در وزارت دادگستری آقایان وزراء و قضات و رؤساء خانمهای خودشان را بیاورند این آقای هم رفت بعد باو گفتم چطور شد شما که آنطور مخالف بودید؟ گفت: «خوب وقتیکه آقای صدر، آقای حاج سید ناصر الله این کار را بکنند دیگر من چه میتوانم بکنم» حالا هم این است معنی: «کالیست بین بدی النسال» (همیشه نمایندگان) - هیچکس حاضر نمیشد، بهیچوجه حاضر نمیشد و این بدترین کاری بود که یک نفر آدم آنها عرض کنم خدمت سرکار که از طبقه روحانیون مملکت بود بکنند عرض کنم که خدا بیامرزد آقا شیخ محمد علی رئیس محکمه شرع را وقتی که خواستند عمامه را عوض بکنند دو سال خانه نشین شد و عمامه را بر نداشت هر کس باید در خطبه مشی خودش با پرنسپ باشد دارای مملکت باشد. باید انسان شخصیت داشته باشد نه اینکه مطیع يك چوب و چماق باشد - ما میخواهیم مملکت ما وزیرری داشته باشد که در پای مصالح مملکت ایستادگی کند نه اینکه «کالیست بین بدی النسال» باشد این عرایض بنده است.

(در این موقع آقای دکتر مصدق از مجلس خارج شدند).

آقای نخست وزیر - خوب بود آقای دکتر مصدق اجازه میدادند که بنده جوابشان را عرض کنم بنده ادعا نکردم که هیچوقت درزندگانی خطائی نکرده ام و هیچکس هم نمیتواند که درزندگانی این ادعا را بکند (صحیح است) ولی ادعای من در خدمتگذاری مملکت و کارهایی است که تاکنون متصدی آن بوده ام و چون البته ایشان وکیل هستند من جواب ایشان را عرض میکنم من هیچوقت درزندگانی خودم درحکومت گذشته خطائی در امور مملکت و در کارهایی که موظف بوده ام، نکرده ام ادعای بنده در این قسمت است اما آن دوره اولاً این مسئله را عرض کنم که در موقع تغییر لباس مرحوم داور آمد پهلوی من و گفت باید کلاه پهلوی سرت بگذاری و حکم این است چون من در آن موقع معمم بودم من گفتم که اینکار را نخواهم کرد و استعفا خواهم داد گفت اگر استعفا هم بدهی باید بکنی گفتم من نخواهم کرد و استعفا هم میدهم التماس کرد که پس چه باید کرد گفتم آتایك قانونی وضع کنند من مطیع قانون هستم و مطیع شخص نخواهم بود (بعضی از نمایندگان - صحیح است احسنت) این موضوع را همه میدادند اما راجع بکشف حجاب يك کلمه کافی است عرض کنم که با وقایع مشهده هیچکس قدرت نداشت مخالفت بکند معذک بنده کردم در هر حال

بهر جهتی و بهر وسیله بود همه توافق کردند بنده هم کردم و اگر خطا هم هست بنده این خطا را کرده ام.



روزنامه نوروژ ایران (بجای داد) در شماره ۵۵۵ مورخ ۵ مهر تحت عنوان:

«صدر و دکتر مصدق دیروز چگونه یکدیگر را محاکمه کردند» چنین نوشت:

دیروز در جلسه علنی مجلس شورا آقای صدر ضمن دفاع از خود اینطور گفت:

«من خدای تعالی را شاهد میگیرم که همیشه از روی عقیدت طرفدار حق و عدالت بوده و بیوسه سعی کرده ام که در خدمتگذاری صادق و عادل باشم و بدینجهت هیچ نفوذی مرا از راه راست منصرف نکرده و چون در زندگانی مادی هم قانع و پرهیزکار بوده ام هیچوقت حب مال مرا بزحمت نینداخته و جمعیت خاطرهم را پیریشان نساخته است. این جملات محکم وقتی با صدای مخصوص نخست وزیر آنهم از یک قیافه حق بجانب، از دهانی که چین های صورت، پز مردگی چهره و رنگ سفید موی آن هر کسی را ملزم بقبول آن اظهارات میکرد بکوش شوندگان رسید تأثیر خاصی در شوندهگان نمود. بهمین جهت تصور میرفت بعضی تقاضای رأی اعتماد در مجلس نخست وزیر بتواند از این موقعیت استفاده نموده کابینه متزلزل خود را تثبیت نماید اما وقتی دکتر مصدق با رنگی پریده و قامتی لرزان و کسالت مشهود که معروفست بوسیله تزریق خون برای انجام وظیفه و گالت بمجلس میآید، پشت تریبون رفت و گفت: «انسان باید شخصیت داشته باشد اطاعت از چوب و چماق نکند نه آنکه فقط برای اطاعت از امر رضاشاه با آنکه در سلك علما بود بر خلاف عقیده خود در کشف حجاب مقدم شود!» رنگ از روی صدر پریده، ناچار شد توضیح دهد که «با واقعه مشهد چاره جز اطاعت امر رضاشاه نداشتم» این بیان نخست وزیر در بین مدیران جرایمی که در لژ مطبوعات نشسته بودند تأثیر خاصی نموده هر کس آنرا بنحوی تغییر میکرد. یکی میگفت آبا بهتر نبود صدر جواب میداد رفع حجاب محتاج بوضع قانون نبود تا با امر قانون ملزم باطاعت باشم و چون خود من این کار را مخالف شرع نمیدانستم اراده رضاشاه هم به ترک این عادت دیدم آنرا استقبال نمودم» یکی گفت: «صدر نتوانست و یا مقتضی ندانست با این سن و سال و سابقه اهل علم و طلبه گوی یکمرتبه زیر حجاب زده باشد بهمین جهت ترجیح داد بر خلاف خطابه که خوانده و خداوند تعالی را شاهد گرفته که، هیچ نفوذی مرا از راه راست منصرف نکرده و جمعیت خاطرهم را پیریشان نساخته است فی المجلس در برابر اعتراض دندان شکن حریف تسلیم شده اعتراف نماید که، نفوذ وحشت و رعب رضاشاه او را از راه راست منصرف نموده و جمعیت خاطرهم را پیریشان نساخته است» زیرا اون نمیتوانست بگوید، «من برفع حجاب عقیده داشتم....» دیگری گفت: «آیا کسی که امروز هم عقیده ندارد باید رفع حجاب نمود شایسته زمامداری یک کشوردموکراسی است» من که از نمایش این پرده عجیب در حیرت بودم که چگونه ادعای یک نخست وزیر آنهم باشاهد گرفتن خداوند تعالی در محضر مجلس در ظرف چند دقیقه فی المجلس باطل میگردد در نزد خود گفتم:

آن روز هم وزیر دادگستری بود و علاقه بعضی آن صندلی مثل امروز داشت نمیتوانست سرپیچی نماید ولی یک روزنامه نویس دلسوخته گفت: «امروز که رضا شاه نیست پس چرا باز هم همین آقای نخست وزیر تحت نفوذ میروند آنهم زیر بار نفوذ هائیکه حتی سهیلی هم نرفت گفتم چطور؟! گفت مگر از اعمال نفوذ مسعودی در همین آقای صدر، بی-

اطلاعی؟! تختم چطور. گفت آقای عباس مسعودی بمحض اینکه از محیط آزاد امریکامراجعت فرمودند و چشم روشنی محمد مسعود را در روزنامه مرد امروز دریافت نمودند میگویند بایک استشهادی شبیه بهمان تلگرافی که بر علیه محمد مسعود تهیه کرده بملاقات آقای صدر رفتند و تقاضای توقیف روزنامه «مرد امروز» را با ارائه آن ورقه نمودند.

آقای نخست وزیر چکیده قانون، چهل سال کار کشته دادگستری هم بجای اینکه باوبگوید ازیک وکیل مجلس آنهم ازیک روزنامه نویس بعبداست غیرازراه محکمه وقانون بر علیه کسی قیام نماید یا بشاشت خاطری او را پذیرفت و بر علیه تنها روزنامه نویسی که باحر به برنده خود از اوضاع انتقاد میکرد دستور داد روزنامه «مرد امروز» را توقیف نمایند بهمین جهت محمد مسعود هم دنیای تهیه استشهادی بر علیه مسعودی و روزنامه اطلاعات افتاده است. آیا آقای صدر نخست وزیر فعلی کسی که یک رضا شاعی بالای سر او نیست یک واقعه مشهد و قتل عمام مسلمین هم او را تهدید نمی کند چه شد که بر خلاف قانون اساسی حق آزادی عقیده یک روزنامه نویس را بخواش روزنامه نویس دیگر بوسیله نفوذ مقام خود از بین برد؟...

پس باید گفت حق بجانب دکتر مصدق است که باید اشخاص باشخصیت در مقام بزرگ کشور داری گماشت، کسی که زیر بار خواش یک روزنامه نویس آنهم برای توقیف روزنامه شخص دیگر ولو فحاش و هتاک میرود دیگر حق ندارد بگوید:

«خدای تعالی را شاهد میگیرم که هیچ نفوذی مرا از راه راست منحرف نکرده است...» بمن بآنکه خود از مسعود ناراضی هستم و بوکالت آقای بیات بر علیه او عرض حال داده ام بآن مدیر روزنامه حق دادم که هم مسعودی کار بدی کرد و هم از صدر بعید بود که هیچ یادگاری از خود گذاشت. اینک باید به یتیم چه پاسخی ایشان باین ایراد میدهند؟ شاید رأی مسعودی هادرمجلس انرش کمتر از قدرت رضاشاه در برابر صدر نباشد!!... عمیدی نوری

اعتراض نماینده اول تهران

بکارهای خلاف قانون دولت صدر و خرید اموال امریکائیهها

دولت صدر با آنکه رسمیت نداشت برای ارضای موافقین و حفظ مقام، عملیات واقدامانی مینمود که بر خلاف قوانین موضوعه و صلاح مملکت بود از آن جمله بدون تصویب مجلس شورای ملی حقوق مستخدمین و هزینه های جاری را پرداخت و نیز بدون تصویب مجلس و برخلاف پیمان سه گانه اشیاء و اموال امریکائیهها که نه قیمت آنها مناسب بود و نه تمام آنها برای کشور ضرورت داشت به مبلغ متجاوز از ده ملیون دلار بوسی و اهتمام آقای بندر وزیر دارائی خریداری کرد که با آن ارز دولت میتواند در امور اقتصادی کارهای مهمی بکند و مردم و مملکت را از بدبختی و مذلت نجات بدهد.... در جلسه چهارم مهر ماه در این باب دکتر مصدق نطقی نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۱۸۱ صفحه ۵۶۶ نقل میشود:

دکتر مصدق - بنده خیلی متأسفم که با ارادت و دوستی که با مرحوم نصیرالدوله داشتم امروز باید بفرزند معترمشان جناب آقای بدر وزیر دارائی اعتراض کنم (فاطمی - سیاست دوستی و دشمنی نیفهمد) و حقیقه از این وزیر بنده خیلی متأثر هستم زیرا عملیات ایشان بکطوری بوده است که بنده را وادار کرده است که بایشان اعتراض کنم

مقدمه نطق

موضوع عرایض امروز من پیمان سه گانه و طرز اجرای آن و اشیائی - است که اکنون این دولت بدون تصویب مجلس میخواهد خریداری کند - بند ۲ از فصل چهارم پیمان میگوید:

در باره**پیمان سه گانه**

د هر چه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان یا چند قرارداد را جمیع به تعهدات مالی که دولت متحده بسبب مقررات این فصل و فقره (ب - ج - د) از بند دوم فصل سوم بر عهده خواهند داشت در اموری از قبیل خریدهای محلی و اجاره ابنیه و تأسیسات صنعتی و بکار گرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن فیما بین منعقد خواهد شد قرارداد مخصوص منعقد خواهد شد؛ مابین دولت متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دولت متحده در خاک ایران انجام داده باشند بچه شرایطی که دولت شاهنشاهی ایران واگذار میشود؛ در قرارداد های مزبور مصونینهایی هم که قوای متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید و فقره ب و ج و د از فصل سوم نیز از این قرار است: «ب» برای عبور لشکریان یا مهمات از یک دولت متحده بدولت متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر بدون متعده حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسائل ارتباط را در خاک ایران بکار برند و نگاهداری کنند و حفظ بنمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید بهر نحوی که مقتضی بداند ترددت بگیرند؛ راهپسائی آهن و راه ها و رودخانه ها و میدانهای هواپیمائی و بنادر و لوله های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بیسیم مشمول این فقره میباشد.

ج - هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور تکمیل گاهداری و بهبود وسائل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) مصالح و کارگر فراهم شود.

د - باتفاق دولت متحده هر گونه عملیات سانسوری که نسبت بوسائل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) لازم بداند برقرار کنند و نگاهدارند - بر طبق آنچه قرائت شد طرفین متعهد شدند قرارداد هائی منعقد کنند از آنجمله قرارداد مالی و قراردادی برای اینکه بعد از جنگ ابنیه و اصلاحات دیگری که دولت متحده در خاک ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت ایران واگذار شود و همچنین قراردادهائی برای وسائل ارتباطی که فقط از بین تمام قرارداد ها همان لایحه قرار داد مالی که صرفاً در منافع متفقین بود تنظیم و از مجلس گذشت و راجع بسایر قرارداد ها چون متفقین نخواستند و زرای ما هم تا امروز که جنگ تمام شده ساکت نشستند !! ...

من از متفقین تشکر میکنم که آزمایش از تعهداتی که گرفتند چیزی مطالبه نکردند و الا بعضی از وزراء با شرایطی که روی کار آمده اند از قبول هر گونه تعهد خودداری نکردند !! ...

قرارداد مالی قبل از اینکه بمجلس پیشنهاد شود یکی از متخصمین؛
عمل آقای اقتصادی ملکوت یعنی آقای دکتر مشرف نقیسی در کابینه فروغی
دکتر مشرف نقیسی بوضع عمل گذاشت یعنی نرخ رسمی لیره که در آنوقت ۸ تومان بود به ۱۳ تومان رسانید و صدیکی از متخصمین؛ دبیر آقای بدر